



توصیه‌های سیاستی الحاقی به لایحه
برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۱۴۰۲
تیر ماه

گزارش شماره (۲)



پیشگفتار:

برنامه هفتم توسعه، به عنوان یکی از مهمترین سندهای مربوط به توسعه کشور، در جهت تعیین سیاست‌ها، اولویت‌ها و برنامه‌های اجرایی در بخش‌های مختلف از جمله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تهیه شده است. در جهت تقویت برنامه هفتم توسعه لازم است تمامی عاملان اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، نخبگان، کارآفرینان، مدیران و سازمان‌های مختلف کشور با مطالعه لایحه برنامه هفتم، نقاط قوت و ضعف این برنامه را شناسایی نموده و با ارائه راهکار و برنامه‌های سیاستی لازم در جهت رشد و توسعه کشور در افق میان‌مدت و بلندمدت، مشارکت داشته باشند. هدف اصلی گزارش شماره (2) ارائه توصیه‌های سیاستی الحاقی به برنامه هفتم توسعه در جهت تقویت برنامه و منسجم ساختن این برنامه است. باستناد گزارش شماره (1) مرکز پژوهش‌های اتاق تبریز که به بررسی اهداف برنامه هفتم توسعه، شاخص‌های پیشرفت و عملکرد برنامه، محدودیت‌ها و چالش‌های موجود و پیشنهادهایی برای بهبود اجرای برنامه پرداخته شده بود، این گزارش به ارائه چالش‌ها و آسیب‌های موجود هر حوزه و توصیه‌های سیاستی الحاقی در راستای رفع آن مشکلات، تهیه شده است. در این گزارش تحلیلی، ضمن آنکه پیشنهادهایی برای بهبود اجرای هر بخش از برنامه هفتم توسعه ذکر شده است، سیاست‌های الحاقی به نحوی ارائه گردیده‌اند که مغایر با سایر حوزه‌ها نباشد و این توصیه‌های الحاقی از انسجام لازم در راستای رفع مشکلات هر بخش و کل برنامه توسعه داشته باشد. این پیشنهادهای براساس بررسی و تحلیل عملکرد هر حوزه از برنامه هفتم توسعه و شناسایی محدودیت‌ها و چالش‌های موجود در آن حوزه ارائه شده‌اند. به عنوان مثال، در بخش‌های مختلف از جمله بخش اقتصادی، بخش اجتماعی و بخش فرهنگی، پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد برنامه هفتم توسعه در هر بخش ارائه شده است که این پیشنهادهای نه تنها مشکلات همان بخش را می‌تواند مرتفع سازد، بلکه اجرای همان سیاست‌ها سازگاری بالایی با سایر بخش‌ها داشته باشد. امید است که این پیشنهادهای به عنوان یک راهنمای مفید برای بهبود اجرای برنامه هفتم توسعه مورد توجه و استفاده قرار بگیرند. همچنین امیدوار است که این گزارش برای تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران برنامه مفید واقع شود و به درک بهتری در جهت تدوین و اجرای برنامه هفتم توسعه کمک کند

سیدباقر شریف زاده

رئیس شورای راهبردی مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز



فصل ۱: رشد اقتصادی	ردیف
<p>یکی از عمده مشکلات تولید در اقتصاد کشور ایران دادن مدیریت بنگاه‌های تولیدی بزرگ به مدیران سیاسی است. تحت چنین امری سودآوری و تولید بنگاه‌ها چندان مورد توجه قرار نخواهد گرفت. چنین بنگاه‌هایی با مصلحت‌اندیشی و سیاسی‌کاری مشکلات تولید را بروز نداده و بر مساعد بودن وضعیت اصرار می‌ورزند. همچنین در چنین بنگاه‌هایی شرایط به‌کارگیری نیروی کار و قیمت‌گذاری محصولات و ... بر اصل روابط دوستی و سیاسی است. نتیجه چنین امری پایین بودن بودن بهره‌وری و اتلاف منابع است. در این راستا حمایت از سرمایه‌گذاران خصوصی و میدان دادن به بخش خصوصی امر اجتناب‌ناپذیر است. نکته بسیار مهم در خصوصی‌سازی ایران آن است که دولت‌ها به‌دلیل بدهی‌های انباشت شده، خصوصی‌سازی را در قالب رد دیون انجام می‌دهند. این عمل سبب گردیده است تا تحلیل‌های اشتباه درمورد خصوصی‌سازی ایران صورت بگیرد و این در حالی است که چنین رویکردی منجر به عدم ایجاد فرصت برای بخش خصوصی واقعی می‌گردد. نتیجه عدم توجه به بخش خصوصی واقعی که توانایی حداکثر کردن رفاه اجتماعی و استفاده بهینه از منابع را دارد، هدر رفت سرمایه در اقتصاد کشور خواهد شد و این چرخه باطل هر روز بر مشکلات تولید کشور خواهد افزود.</p>	<p>آسیب شناسی</p>
<p>آدر بنگاه‌های خصوصی، مدیران با داشتن برنامه مدون به‌دنبال حداکثر کردن سود بنگاه هستند. در این راستا معمولاً استفاده از نیروی کار موثر، استفاده بهینه از سرمایه، قیمت‌گذاری مطلوب و ... مورد توجه مدیران است. بنابراین توصیه بر آن است که در برنامه هفتم توسعه بر اصل خصوصی‌سازی تاکید شده و نحوه اجرای این طرح با جزیئات کامل و برنامه مناسب طرح‌ریزی گردد. در این راستا لازم است حوزه‌های مجاز برای فعالیت اقتصادی کلیه مؤسسات، شرکت‌ها و واحدهای تابعه و وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و سایر نهادهایی که به هر نحو، عهده‌دار وظایف و خدماتی بوده که جنبه عمومی دارد، منحصر به حوزه‌هایی باشد که بخش خصوصی و تعاونی به هر دلیلی، توان یا تمایلی به فعالیت در آنها ندارند. حضور این نهادها در صنایع و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، مادر، با فناوری بالا و خطرپذیر در قالب مشارکت با بخش خصوصی و تعاونی و یا به‌صورت شرکت‌های سهامی عام، مجاز است.</p> <p>تبصره- واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به نهادهای موضوع این ماده به هر صورت (از جمله رد دیون دولت) ممنوع است.</p>	<p>۱ ارائه راهکار</p>
<p>در بخش رشد اقتصادی به ماده ۵ اضافه گردد</p>	<p>ضمیمه</p>
<p>رشد اقتصادی و تقویت تولید در هر جامعه‌ای نیازمند آن است که سرمایه با نیروی کار و دانش فنی ترکیب گردد تا فرآیند تولید تقویت شود. در اصطلاحات اقتصادی به نیروی کاری که آموزش‌دیده و دارای دانش است نیروی کار موثر گفته می‌شود و این عامل مهم‌ترین نقش را در تقویت تولید دارد. بر اساس شواهد، حاکم نبودن و در اولویت قرار نداشتن صلاحیت علمی در راستای به‌کارگیری نیروی کار موثر و جذب و استخدام بی‌ضابطه افراد بی‌صلاحیت که منجر به افزایش هزینه‌های جاری و اندازه دولت که فرصت تنفس اقتصاد را گرفته است، منجر به کاهش انگیزه نیروی کار موثر شده و مهاجرت خیل عظیمی از این ثروت انسانی به خارج از کشور و شکوفا نشدن اقتصاد کشور شده است.</p>	<p>۲ آسیب شناسی</p>
<p>در جهت ایجاد انگیزه برای خدمت به تولید و اقتصاد کشور توسط افراد تحصیل کرده و نخبگان کشور که توانایی خلق و تقویت تکنولوژی تولید در کشور را دارند، لازم است دو رویکرد مورد توجه قرار گیرد:</p>	<p>ارائه راهکار</p>



<p>1)سنجش صلاحیت علمی در به کار گیری نیروی کار 2) خصوصی سازی اقتصاد در کشور</p> <p>دولت ملزم است از استخدام‌های بی رویه و خارج از قانون که منجر به پیشرفت مادی و معنوی بیشتر نیروی کار عادی نسبت به نیروی کار موثر می‌شود، جلوگیری به عمل آورده شود. همچنین موسسات آموزش عالی که صرفاً با دریافت پول اقدام به اعطای مدرک می‌کنند برخورد شده و جلوگیری گردد(مخصوصاً برای کارکنان دولت). در بیشتر موارد صاحبان مدارک تحصیلات تکمیلی حقوق‌هایی را از دولت مطالبه دریافت می‌نمایند که از هیچ دانشی برخوردار نبوده و صرفاً به سبب داشتن مدرک از این مزیت‌ها برخوردار شده‌اند. افراد نخبه با مقایسه دانش و کارایی خود دلسرد شده و مهاجرت از کشور را بر ماندن و خدمت به کشور ترجیح می‌دهند.</p> <p>دولتی بودن اقتصاد سبب می‌شود تا بعد از رسمی شدن کارکنان، انگیزه چندانی برای کار نداشته باشند و دولت هیچ ابزاری در مورد افزایش بهره وری کارکنان ندارد. این در حالی است که بخش خصوصی با حساسیت بالایی نسبت به جذب، به کارگیری و اعطای امتیاز بر حسب صلاحیت و کارایی آنان اختصاص می‌دهد. بنابراین کاهش اندازه دولت به هر نحو و ایجاد فرصت برای بخش خصوصی می‌تواند سرمایه انسانی کشور را برای خدمت به تولید و اقتصاد کشور به بهترین وجه ممکن انجام دهد. خصوصی سازی در اقتصاد ایران می‌تواند منجر به استفاده بهینه از نیروی کار موثر شده و خدماتی که این سرمایه انسانی برای پیشرفت کشورهای خارجی انجام می‌دهند را با انگیزه بسیار بالا برای تولید و ارتقاء جایگاه کشور در هر زمینه مهیا سازند.</p>		
<p>در بخش رشد اقتصادی و ماده ۲، ذیل وظایف سازمان اداری و استخدامی کشور اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>دومین عامل مهم در تقویت تولید، سرمایه است. سرمایه یکی از دو رکن اساسی تولید است که در اقتصاد ایران توجه مناسبی به آن نمی‌گردد. بیشتر شواهد دلالت بر آن دارد که تجهیزات کارخانه‌ای در ایران مستهلک شده و حتی با وجود تمایل به سرمایه‌گذاری در این بخش، به دلیل تحریم‌های اقتصادی امکان جایگزینی میسر نمی‌گردد. وجود فضای نااطمینانی و بی ثباتی سیاسی و همچنین عدم وجود برنامه در راستای کاهش تنش سیاسی از سوی دولت، سبب شده است تا سرمایه‌گذاران چاره‌ای به جز تبدیل دارایی‌های تولیدی به ارز و خروج سرمایه از کشور نداشته باشند. این رویکرد ضمن آنکه سبب می‌شود تا ارزی می‌توانست در تقویت زیر ساخت‌های اقتصادی و تولید به کار گرفته شده از مدار تولید خارج گردد، بلکه با فشار تقاضای ارزی منجر به جهش ارزی و تورم‌های به شدت بالا در اقتصاد ایران گردد. بنابراین مدیریت، حفظ و جذب سرمایه مهمترین رکن تولید در کشور است و تمامی اصول و ماده و تبصره‌های رشد اقتصادی در برنامه‌ی هفتم توسعه باید بر این اساس تنظیم گردد.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>3</p>
<p>کاهش تنش‌های سیاسی در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و جلوگیری از فرار سرمایه برقرار کردن محیط امن مناسب برای سرمایه‌گذاری(سرمایه‌گذاران داخلی) در کشور با مهیا کردن:</p> <ul style="list-style-type: none"> • تنظیم روابط حسنه تجاری با کشورهای خارجی و تجاری که می‌توانند در مجهز کردن تجهیزات کارخانه‌ای شرکت‌های تولیدی داخلی موثر باشند • مهیا ساختن شرایط آسان تجارت برای بازرگانان ایرانی و خارجی که بتوانند به راحتی محصولات را صادر و وارد کرده و همچنین تعهدات مالی خود را به آسان ترین نحو ممکن انجام دهند. 	<p>ارائه راهکار</p>	



در بخش رشد اقتصادی و ماده ۳ تحت تبصره‌ای ذیل وظایف وزارت امور خارجه اضافه گردد	ضمیمه	
<p>رقابت پذیری تولیدات داخلی در مقابل تولیدات خارجی یکی از مهم ترین عوامل کلان اقتصادی است که عدم توجه به آن سبب شده است تولید و رشد اقتصادی در کشور از وضعیت نامناسبی برخوردار باشد. شواهد نشان می‌دهد دهه ۱۳۴۰ به عنوان مهم ترین دهه توسعه صنعتی و شکوفایی تولید در ایران است که این وضعیت رفته رفته کم رنگ تر شده و با کاهش رقابت پذیری، از شاخص‌های آن دوره فاصله گرفته است. بعد از فروپاشی سیستم برتون وودز و استفاده از دلار آمریکا در مبادلات جهانی، تعیین نرخ ارز اهمیت بسیار ویژه تقویت تولید را به خود اختصاص داد که عدم توجه به نرخ ارز بهینه در اقتصاد ایران، مشکلات کشور را دوچندان کرده و به کاهش رقابت پذیری تولید در کشور منجر به کاهش رقابت پذیری تولید در کشور گردیده است. در اقتصاد ایران، دولت با استفاده از منابع نفتی و تبدیل ارز به ریال، موجبات رقم خوردن تورم در کشور را فراهم کرد. در این راستا، دولت برای کاهش تورم، به جای کنترل نقدینگی، اقدام به واردات کرد و از آنجا که نرخ ارز برای سال‌های متمادی در کشور ثابت مانده بود، واردات محصولات نسبت به تولیدات داخلی ارزان تر بود و همین امر سبب کاهش رقابت پذیری تولیدات داخلی شد و رکود در کشور و عقب ماندگی صنعتی و درجا زدن تولید گردید. بنابراین تنظیم و تعیین نرخ ارز از حساسیت بسیار زیادی برخوردار است و لازم است برای دستیابی به رشد تولید ناخالص داخلی ۸ درصدی، برنامه‌های لازم برای مدیریت نرخ ارز تدوین و اضافه شود.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	
<p>بر اساس علم اقتصاد، نرخ ارز تعیین کننده قدرت رقابتی محصولات خارجی در مقابل محصولات داخلی است. از سوی دیگر تورم سبب می شود محصولات داخلی گران تر شوند و در صورتی که کشورهای رقیب تورمی کمتر از تورم کشور ما داشته باشند، قدرت رقابتی تولیدات داخلی به شدت نزول پیدا کند. بنابراین وضعیت تورمی کشور نشان دهنده افت رقابت پذیری تولیدات داخلی است. از سوی دیگر، افزایش نرخ ارز نشان دهنده تقویت رقابت پذیری است. در نتیجه بهتر است وضعیت تورمی در تعیین نرخ ارز ملاک قرار گیرد و از دخالت‌های بی مورد بانک مرکزی جلوگیری شود.</p> <p>شایان ذکر است ثابت ماندن نرخ ارز برای سال‌های متمادی سبب خواهد شد تا به محض رخداد نااطمینانی در کشور، نرخ ارز مسیر چندین ساله را در یک روز طی کرده و جهش ارز اتفاق بیفتد. وقوع جهش ارزی یعنی از دست رفتن فرصت تصمیم گیری و غالب شدن فضای سفته بازانه در کشور. بنابراین بهتر است هر سال تعدیل ارز بر اساس تورم در دستور برنامه هفتم توسعه باشد.</p> <p>نکته آماری بسیار مهم: با وجود آنکه نرخ ارز باید به اندازه تورم تعدیل گردد، با این حال نباید نوسانات زیادی داشته باشد. نوسانات نرخ ارز عامل مهم بی ثباتی در اقتصاد است. برای مدیریت بهینه نرخ ارز در اقتصاد ایران باید یک محدوده تعیین گردد که نرخ ارز حول و حوش آن تعیین گردد. پیشنهاد مرکز پژوهش‌های اتاق تیریز تنظیم نرخ ارز در محدوده تورم و رشد پایه پولی است. طبق شواهد آماری میزان رشد نرخ ارز نباید بیشتر از رشد پایه پولی باشد و به محض افزایش و بالا رفتن از این محدوده احتمال جهش ارزی به شدت بالا خواهد رفت</p>	<p>ارائه راهکار</p>	<p>4</p>
<p>در بخش رشد اقتصادی و ماده ۴ و ذیل وظایف بانک مرکزی برای تقویت محیط کسب و کار اضافه گردد</p>	<p>ضمیمه</p>	



آمارهای اقتصادی نشان می‌دهد که سهم بخش خدمات در تولید و ایجاد ارزش افزوده بسیار بالاتر از بخش صنایع و معادن و بخش کشاورزی است. با توجه به ماهیت بخش‌های تولیدی، کانال ارتباطی مهمی بین این بخش‌ها وجود دارد. مهمترین ارتباط بین بخش‌ها بدین صورت است که بخش صنایع و معادن و کشاورزی به عنوان پیشران عمل می‌کند و به رونق بخش خدمات نیز می‌گردد. از سوی دیگر، آمارها نشان می‌دهد که سهم بخش کشاورزی از سال ۱۳۵۰ تا الان روند کاهشی داشته است. همچنین بخش صنایع و معادن نیز روند ثابتی را طی کرده است. این واقعیت تجربی نشان می‌دهد که ابتدا باید بخش صنعت تقویت شود و به دنبال آن بخش خدمات بزرگ‌تر شود. به عبارت بهتر، در فرایند توسعه صنعتی شدن مقدم بر خدماتی بون است و لازم است در برنامه هفتم توسعه تقویت بخش صنعت به جد توجه شود.

آسیب
شناسی

اولویت بندی طرح‌های سرمایه‌گذاری و توجه به بخش صنایع و معادن و بخش کشاورزی و حمایت از بخش خصوصی در راستای سرمایه‌گذاری در این بخش‌های اقتصادی، اکیداً باید مدنظر قرار گیرد. حمایت از بخش تولیدی صنایع - معادن و بخش کشاورزی شامل این موارد است:

1. تولید در ایران به شدت به محصولات سرمایه‌ای و واسطه‌ای وابسته است. تامین ارز در راستای فراهم آوردن محصولات واسطه‌ای و سرمایه‌ای نقش مهمی را ایفا می‌نماید. در این راستا لازم است تنش زدایی در راستای رفع تحریم و اقدام به فروش نفت و گاز و تامین ارز مورد نیاز و فراهم آوردن ارز برای تولید کنندگان با تعیین نرخ ارز بهینه مورد توجه برنامه هفتم قرار گیرد
2. تعیین هدف‌گذاری صادراتی در راستای دستیابی به سبد متنوع صادراتی برای تغییر اقتصاد تک کالایی به اقتصاد چندکالایی انعطاف پذیر که در صورت تحریم بتواند شوک‌های خارجی را مدیریت کند و امکان تحریم شدن اقتصادی از کشور را سلب کند.
3. عدم قیمت گذاری دستوری برای تولیدات صنعتی و کشاورزی توسط دولت و اجازه تعیین قیمت بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا
4. عدم دخالت بانک مرکزی در بازار ارز و دستکاری کردن نرخ ارز در راستای شعارهایی مثل ثبات اقتصادی، حمایت از مصرف کننده و ...
5. شناسایی شرکت‌های تولیدی که نقش موثر در ایجاد ارزش افزوده و اشتغال دارند و ترتیب بندی و اولویت بندی این شرکت‌ها در راستا بهره مند نمودن از خدمات اعتبار و وام بانکی در راستای رفع مشکل تامین نقدینگی
6. کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری با استفاده از ارائه خدمات بانکی و بیمه و ... در بخش‌های تولیدی علی الخصوص بخش کشاورزی که همواره در معرض سیل و تگرگ و سرمازدگی قرار دارد.
7. تعریف یک سامانه در بدنه اجرایی کشور که توانایی ایجاد و ارتباط بین کارآفرینان و نخبگان کشور در حوزه‌های مختلف را داشته باشد. لازم است در این سیستم نیازهای کارآفرینان تشریح گردیده و در این راستا پروژهای تعریف گردد. در این رهگذر، متخصصان با مطالعه مشکلات کارآفرینان و تولید کنندگان به ارائه ایده و ارائه راهکار بپردازند تا از این طریق بخش فناوری و تکنولوژی در سیستم تولیدی کشور تقویت شده و هزینه‌های تولید کاهش یابد.



<p>در بخش رشد اقتصادی و به ماده ۴ (محیط کسب و کار) تحت وظایف بانک مرکزی برای مدیریت نرخ ارز، وزارت نفت برای مدیریت فروش نفت و گاز و فراهم آوردن ارز، وزارت اقتصاد و جهاد کشاورزی در راستای مدیریت بازار کالا و خدمات و ممانعت از سرکوب قیمتی، وزارت صنعت، معدن و تجارت در راستای تقویت سبد صادراتی کشور، سازمان تأمین اجتماعی در راستای کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری، وزارت علوم و تحقیقات در راستای ایجاد سامانه و تقویت ارتباط بخش صنعت و جامعه علمی، نظارت مؤثر بر فعالیتهای بانکی توسط شورای پول و اعتبار در راستای جلوگیری از انحرافات اعتبارات، اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>وجود رشد نقدینگی به شدت بالا و عدم تأمین نقدینگی شرکت‌های تولیدی از مباحث حیاتی در مشکلات تولید کشور محسوب می‌گردد. امروزه در مباحث اقتصادی تجربه شده است که اگر نقدینگی جذب نهادهای مالی در جهت تولید شوند، نه تنها آثار تورمی نخواهند داشت، بلکه بسیار برای رشد اقتصادی مفید خواهند بود. در اقتصاد ایران، به دلیل شرایط تورمی و پایین بودن نرخ بهره حقیقی، سیستم بانکی با تقاضای زیاد برای وام مواجه است و به دلیل ریسک‌های کژگزینی و حاکم بودن سفارش و روابط در تخصیص اعتبار، بانک فاقد کارایی در تأمین نقدینگی شرکت‌های تولیدی است. در این راستا بازار بورس می‌تواند محیط مناسبی برای تأمین نقدینگی شرکت‌های تولیدی باشد. اما در اقتصاد ایران با دخالت‌های بی‌مورد و قیمت‌گذاری دستوری، بی‌اعتمادی به بازار شکل گرفته است و سبب شده است این بازار نیز با عدم کارایی مواجه گردد. این در حالی است که بازار بورس سبب می‌شود صاحبان منابع پولی با بررسی و شناخت کامل نسبت به سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها اقدام نمایند. این امر سبب می‌گردد تا ریسک سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های تولیدی کاهش یابد و ایده‌های اقتصادی و تشکیلات تولیدی به دلیل تأمین منابع پولی توسعه یابند. همچنین به دلیل مطالعه و بررسی آن‌ها توسط سرمایه‌گذاران، ریسک کژبینی نیز کاهش می‌یابد و منابع پولی به فعالیتهای مولد هدایت می‌شوند.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>6</p>
<p>در برنامه هفتم توسعه باید اصل کارآمد شدن بازار بورس مدنظر قرار گیرد و در این راستا لازم است دولت موارد زیر را اعمال کند: محدود کردن فعالیت دولت به حوزه نظارت و جلوگیری از دستکاری و قیمت گذاری دستوری در بازار بورس افزایش شفافیت در بازار بورس و مشخص کردن تمامی فعالیتهای شرکت‌ها و نحوه خرج کردن پول‌های سرمایه گذاری شده در بازار بورس توسط شرکت‌ها فراهم آوردن بستر آموزش نحوه سرمایه‌گذاری در بازار بورس برای سرمایه‌گذاران و حاکم شدن تصمیم‌گیری منطقی و بنیادی به جای تصمیم‌گیری‌های احساسی</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش رشد اقتصادی و ماده ۳ ذیل وظایف وزارت امور اقتصاد و دارایی اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>با وجود سیاست پولی انبساطی در ایران، تأمین نقدینگی شرکت‌های تولیدی بسیار با مشکل مواجه است. سیستم بانکی در ایران به‌طور خودسر در اکثر فعالیتهای سفته‌بازانه مشارکت داشته و باقی اعتبارات را نیز برای افرادی که در فعالیتهای غیر مولد حضور دارند، تخصیص می‌دهد. یکی از مشکلات عمده در سیستم بانکی ایران، قبول وثیقه در مقابل تخصیص اعتبار است. از آنجایی که به تبع سفته‌بازان اقتصاد دارای قدرت مالی بسیار بیشتری نسبت به تولیدکنندگان هستند، سهم بالایی در وام‌گیری دارند. ادامه این وضعیت، خروج سرمایه و توقف سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و تولیدی و ورود به سمت فعالیتهای سفته‌بازانه است. همچنین عدم اعمال نرخ بهره بهینه نیز مزید بر علت شده که اعتبارات بانکی نقش پررنگی در مسئله آفرینی تولید</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>7</p>



<p>به دلیل مسدودسازی هدایت نقدینگی به سمت تولید داشته باشد. همچنین به وضعیت تورمی کشور و نرخ بهره اندک نیز سبب شده است که تمایلی به بازپرداخت وام گرفته شده از سوی افراد و سازمان‌های وام‌گیرنده صورت نپذیرد.</p>	
<p>در راستای تأمین نقدینگی شرکت‌ها، لازم است رویکرد تخصیص اعتبار در مقابل وثیقه منحل گردد. همچنین نرخ بهره بهینه بر اساس شرایط اقتصاد تنظیم شده و اعتبار نیز بر اساس فعالیت و تشکیلات تولیدی بنگاه‌ها تخصیص یابد. اجرای این مراحل نیازمند تعریف و اجرای برنامه‌های سلسله‌مراتبی است که از دولت به بانک مرکزی، بانک مرکزی به سیستم بانکی و سیستم بانکی به بنگاه‌های تولیدی ادامه یابد. بر این اساس لازم است دولت از منابع بانک‌های تجاری برای رفع و پوشش کسری بودجه استفاده ننماید. با انجام این کار، فرصت برای بانک مرکزی ایجاد می‌شود که نظارت‌های مؤثر بر فعالیت‌های بانک‌های تجاری داشته باشد. بر این اساس بانک مرکزی ملزم است تمامی بانک‌های تجاری با بدهی و ترانزاکشن منفی را شناسایی نموده و آن‌ها را ملزم به فروش دارایی و پرداخت بدهی‌های خود نماید. در ادامه بانک مرکزی با شناسایی بانک‌هایی که در تخصیص اعتبار روند و عملکرد مثبت و بهینه‌ای دارند را در اجرای سیاست‌های پولی مشارکت خواهد داد. بدین صورت که بستر لازم برای بانک‌ها برای مشارکت بیشتر با بانک مرکزی در خصوص دریافت و تخصیص وام را فراهم خواهد کرد. بنابراین با قرار گرفتن پول در خدمت بانک‌ها با عملکرد مثبت، این بانک‌ها اقدام به شناسایی شرکت‌های تولیدمحور خواهند کرد و با بررسی ترانزاکشن و تشکیلات شرکت‌های تولیدی، اقدام به ارائه خدمات و تجهیز اعتبار این بنگاه‌ها خواهد نمود. همچنین وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است به منظور توسعه نظام اعتبارسنجی، پایگاه داده اعتباری کشور را ایجاد نماید. کلیه تأمین‌کنندگان اطلاعات نظیر سازمان امور مالیاتی، قوه قضائیه، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران و سایر دستگاه‌ها به تشخیص این وزارتخانه مکلفند اطلاعات مورد نیاز را در اختیار پایگاه داده اعتباری کشور قرار دهند. اطلاعات این پایگاه مبنای پرداخت تسهیلات به بنگاه‌ها قرار می‌گیرد.</p> <p>**شایان ذکر است در برنامه هفتم توسعه بر دادن اختیارات زیاد برای شورای پول و اعتبار برای نظارت بر سیستم بانکی تأکید شده است. این بند از برنامه هفتم بسیار مفید بوده و ارزشمند است ولی لازم است تا تأمین کسری دولت از راه‌هایی به جز تأمین از منابع بانک‌ها انجام گیرد تا این شورا بتواند وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد و مشکلات سیستم بانکداری که مخل فعالیت‌های تولیدی است در کشور ریشه کن گردد. به نظر می‌رسد تأمین کسری دولت از منابع بانکی بهانه لازم برای فعالیت غیرمولد بانک و عدم اجازه نظارت بر آنها را فراهم می‌آورد.</p>	<p>ارائه راهکار</p>
<p>در بخش رشد اقتصادی، ماده ۳ و بخش ت اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>
<p>تمامی شواهد، اعم از مشکلات عرضه کل اقتصاد، بودجه دولت، فضای روانی و انتظارات عاملان اقتصادی، مشکلات انرژی کشورهای خارجی، به ویژه غرب و کشور چین، حاکی از آن است که بخش نفت ایران می‌تواند نقش بسیار مهمی در آینده اقتصادی ایران و کشورهای دیگر داشته باشد. با توجه به اهمیت این بخش در رشد اقتصادی و مهار تورم، هیچ ایده و برنامه مشخصی در قبال درآمدهای نفتی در برنامه هفتم توسعه مشخص نشده است. تجربه دو دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که بودن نفت در ساختار اقتصاد ایران بدون مدیریت دقیق، بسیار فاجعه‌بار خواهد بود. در مقابل دهه ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که نبودن آن بسیار مهلکتر از بودن آن است. در این راستا باید ارزیابی دقیقی از این متغیر اقتصادی به عمل آید. در این زمینه، سؤالات زیر مطرح</p>	<p>آسیب شناسی</p>



<p>می‌شود و چالش‌هایی که پاسخ هر یک از این سؤالات می‌تواند برای اقتصاد ایران داشته باشد، باید در برنامه هفتم تشریح شده و برنامه‌های جایگزین طرح گردد.</p> <p>آیا دولت بر وضعیت انتظارات عاملان اقتصادی و مردم که به شدت از فروش نفت تاثیر می‌پذیرند توجه دارد؟ در صورتی که دولت ایران موافق فروش نفت به صورت دور زدن تحریم و وارد کردن عواید حاصل از آن بدین صورت عمل نماید، آیا هزینه این رویکرد را مورد توجه قرار داده است؟</p> <p>در صورت فروش نفت به هر صورتی چه به صورت قانونی و رفع تحریم و چه با فرض دور زدن تحریم کشور، رویکرد دولت در مقابل عواید حاصل فروش نفت، وارد کردن چه چیزی بر چرخه اقتصادی کشور است؟</p> <p>به عبارت بهتر، در برنامه هفتم توسعه باید توجه ویژه‌ای به بخش مدیریت درآمدهای نفتی صورت گیرد. در صورت فروش نفت و بیشتر شدن درآمدهای ارزی باید مشخص گردد که این درآمدها در کدام بخش اقتصادی هزینه خواهد شد. در این راستا توصیه بر آن است که درآمدهای نفتی در زیر ساخت‌های اقتصادی هزینه شده و همچنین در بخش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که امکان تولید آن‌ها در کشور وجود ندارد ولی نقش مهمی در تولید ایفا می‌کنند، تخصیص یابد.</p>	
<p>شواهد نشان می‌دهد که به دلیل وضعیت تحریم کشورمان، بسیاری از مشتریان نفت ایران از این وضعیت سوءاستفاده کرده و در مقابل خرید نفت، اجناس و محصولات مازاد خود را پیشنهاد می‌دهند. در این راستا، اگر دولت مجبور باشد این پیشنهاد را قبول کند، باید بررسی به عمل آید که این واردات چگونه بر علیه تولیدات داخلی نخواهد بود. اگر محصولات مشابه با محصولات داخلی وارد چرخه اقتصاد کشور گردد، تولید کننده داخلی با دو رقیب مواجه خواهد بود. اولی خود دولت است که با قدرت بیشتری محصولات را فروش خواهد رساند و دومی هم محصولات خارجی است. این روند دقیقاً مشابه بیماری هلندی در دهه 1380 است که با مصادف شدن با تحریم‌های اقتصادی، وضعیت فعلی اقتصاد ایران را رقم زده است.</p> <p>در رویکرد دیگر اگر دولت قرار است با فروش نفت ارز دریافت نماید، باید از تجربه دهه 1380 استفاده کرده و این درآمدها را در زیر ساخت‌های اقتصادی و محصولاتی که نقش موثر در تولید و تحریک عرضه کل دارند، استفاده گردد.</p> <p>در این راستا پیشنهاد بر این است که سامانه‌ای در اقتصاد ایران شکل بگیرد و مشکلات اصلی تولید و مخصوصاً مشکلات تکنولوژیکی تولید توسط صاحبان صنایع و تولید کنندگان در آن ثبت گردد. سپس دولت با شناسایی عوامل تحریک کننده عرضه، واردات آن کالاها را در اولویت قرار دهد و از واردات محصولاتی که تولیدات داخلی دارای مزیت اقتصادی و اجتماعی هستند به شدت پرهیز گردد.</p>	<p>ارائه راهکار</p>
<p>در بخش رشد اقتصادی و ماده ۳ ردیف‌های زیر اضافه گردند:</p> <p>ج) وزارت امور خارجه موظف است وضعیت تحریمی اعمال شده بر علیه کشور را مرتفع نموده و با همکاری وزارت نفت، برنامه‌ای مدون برای افزایش سهم بازاری نفت در بازار جهانی را تدوین نماید.</p> <p>چ) در راستای مدیریت درآمدهای نفتی، لازم است سه بخش بانک مرکزی، صندوق توسعه ملی و سازمان برنامه و بودجه برنامه‌ای را تدوین نمایند که از هدر رفت منابع ارزی جلوگیری به عمل آورده شده و هماهنگی دقیقی بین این سه بخش حاکم باشد.</p>	<p>ضمیمه</p>



<p>ح) وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است لیست محصولات سرمایه‌ای و واسطه‌ای را که اهمیت فراوانی در تولید کشور دارند را تهیه نموده و برآورد ارزی آن‌ها را در اختیار بانک مرکزی قرار دهد. همچنین بانک مرکزی موظف است در واگذاری ارز، اولویت را به تولید کشور اختصاص داده و همکاری بیشتری با وزارت صنعت، معدن و تجارت و اتاق بازرگانی ایران در راستای مدیریت و تخصیص منابع ارزی داشته باشد.</p> <p>خ) وزارت راه و شهرسازی موظف است با مطالعه و کارشناسی دقیق، منابع ارزی لازم در راستای توسعه راه‌های ریلی و هوایی که اهمیت بسیار به سزایی در توسعه حمل و نقل دارد و بالطبع رشد اقتصادی دارد را برآورد نموده و برنامه‌های لازم در این راستا را تدوین نماید.</p> <p>ح) وزارت نفت مکلف است با سرمایه‌گذاری در چاه‌های مشترک با همسایگان، میزان استخراج نفت و گاز را توسعه داده و درآمدهای ارزی کشور را افزایش دهد.</p>		
<p>یکی از عمده مشکلات اقتصاد و تولید ایران، عدم توجه ریشه‌ای به مشکلات اقتصاد است. پدیده قاچاق کالا جزو پدیده‌هایی است که همواره راه حل‌های سطحی و ساده‌انگارانه در خصوص آن تدوین شده است. وضعیت رقابت‌پذیری پایین تولیدات داخلی و وجود تورم بالا و وضعیت نامناسب در مورد نرخ ارز، سبب شده است تا دولت با استفاده از تعرفه‌های گمرکی این مشکل را حل نماید. افزایش تعرفه‌های گمرکی سبب تقویت پدیده قاچاق و واردات شده است و بر مشکلات تولید مخصوصاً در حوزه صنایع خانگی و پوشاک شده است. این رویکرد سبب شده است تا دولت با دو هزینه اضافی مواجه گردد. 1) افزایش نظارت بر کارکنان گمرک مبنی بر عدم تخلف که به طور غیرمستقیم هزینه‌های دولت را افزایش داده است؛ 2) افزایش هزینه دولت در راستای مبارزه با پدیده قاچاق کالا؛</p> <p>نتیجه چنین اقداماتی عدم کنترل واردات و افزایش هزینه‌های دولت بدون افزایش درآمدهای تعرفه‌ای بوده است.</p>	آسیب شناسی	9
<p>همان طور که پیش تر اشاره شد، برنامه‌نویسان باید دید کلان به مشکلات تولید کشور داشته باشند. بهتر است وضعیت رقابتی تولید در کشور در مقایسه با رقبا بررسی شود و با تقویت رقابت‌پذیری، بر این مسائل و هزینه‌ها فائق آید. دو مساله اصلی اقتصاد ایران که وضعیت رقابت‌پذیری را تحت تأثیر قرار داده است، وضعیت نرخ بهره و وضعیت ارزی کشور است. تاکید بر آن است که این دو متغیر مهم اقتصادی بر اساس شرایط اقتصاد کلان تنظیم گردند و از هر گونه دستکاری و نرخ گذاری دستوری جلوگیری به عمل آورده شود تا بستر لازم برای حذف پدیده قاچاق کالا در کشور فراهم گردد.</p>	ارائه راهکار	
<p>در بخش رشد اقتصادی و به ماده ۴ در حوزه وظایف وزارت اقتصاد و بانک مرکزی اضافه گردد</p>	ضمیمه	
<p>در راستای تحقق خصوصی‌سازی واقعی، تمرکز دولت بر امر تنظیم بازار و افزایش بهره‌وری به نحوی که کالای باکیفیت با کمترین هزینه و با صرف کمترین زمان ممکن در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد، توصیه می شود:</p>		
<p>در راستای توسعه سهم و نقش بخش خصوصی در اقتصاد ملی، دولت مکلف است الزامات لازم را به نحوی اتخاذ کند که سهم بخش تعاون ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی (طبق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی) و بخش خصوصی ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی، تا پایان سال چهارم برنامه توسعه تحقق یابد.</p>	ارائه راهکار	10



<p>تبصره- گزارش نحوه محاسبه سهم این بخش‌ها و روند تحقق مفاد این بند سالانه از سوی وزارت امور اقتصاد و دارایی (حداکثر تا پایان 3 ماهه سال بعد) منتشر می‌شود</p>	
<p>در بخش رشد اقتصادی و به ماده ۵ الحاق گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>
<p>فصل دوم: تورم</p>	
<p>ریشه‌های به وجود آمدن تورم در ایران در تقاضای پول و عرضه پول نهفته است. بنابراین هرگونه افزایش عرضه پول با ثابت ماندن تقاضای پول، منجر به افزایش تورم یا کاهش ارزش پول می‌گردد. ترازنامه بانک مرکزی نشان می‌دهد که پایه پولی از سه طریق ممکن خلق می‌شود: از طریق بدهی بانک‌های تجاری به بانک مرکزی، بدهی دولت به بانک مرکزی و تغییرات ذخایر ارز و طلا. بنابراین اگر بانک مرکزی هر سه مورد را بتواند کنترل نماید، مساله تورم در اقتصاد ریشه‌کن خواهد شد. در اقتصاد ایران، بانک مرکزی به دلیل عدم استقلال توانایی کنترل پایه پولی ندارد. در این راستا، بهتر است مخاطب تورم بانک مرکزی و دولت باشد. از سوی دیگر پایه پولی خلق شده توسط بانک مرکزی در سیستم بانکی کشور به نقدینگی تبدیل می‌گردد. با بررسی عمیق‌تر می‌توان بیان کرد که علت خلق نقدینگی در ایران، کسری بودجه دولت است که با تغییرات پایه پولی همراه است. از سوی دیگر تغییرات ضریب تکاثر پول که مقدار آن از شاخص ۲ در اوایل انقلاب به ۸ در سال ۱۴۰۰ رسیده است. در دهه 1380 با تبدیل دلارهای نفتی به ریال، پایه پولی تغییر کرده است و در دهه 1390 با استقراض مستقیم از بانک مرکزی و استفاده از منابع بانک‌های تجاری، پول در ایران خلق گردیده و به تورم دامن زده است. با توجه به این توضیحات ریشه اصلی تورم در ایران، اضافه هزینه‌های دولت و قدرت خلق نقدینگی بانک‌ها است.</p>	<p>آسیب شناسی</p>
<p>دولت به طرق مختلف می‌تواند کسری بودجه را تأمین مالی نماید: 1) چاپ اوراق قرضه و استقراض از مردم؛ استفاده از منابع بانک‌های تجاری 3) فروش ارزهای خارجی 4) فروش دارایی‌های دولت 5) استقراض از خارج (به دلیل تحریم شدن ایران عملاً امکان ندارد)</p> <p>بهترین راه حل ممکن برای پوشش کسری بودجه دولت استقراض مستقیم از مردم است. در این راه حل نه تنها پایه پولی دچار تغییر نمی‌گردد بلکه سبب می‌شود تا دولت انضباط مالی به خرج دهد و با حساسیت بیشتری به دخل و خرج به دلیل برگرداندن اصل و سود پول قرض گرفته شده داشته باشد. بقیه موارد به دلیل تغییرات پایه پولی تورم را هستند و لازم است در برنامه هفتم توسعه این ساز و کار مد نظر قرار گیرد و با جلب اعتماد عمومی توسط دولت، مردم در حل مشکلات دولت مشارکت داشته باشند تا ساز و کار مهار تورم در کشور فراهم گردد.</p> <p>دومین مورد مهم در بروز تورم قدرت خلق نقدینگی بانک‌ها است. اجزای مختلف ضریب تکاثر نشان می‌دهد که ذخایر اضافی و قانونی بانک‌ها نقش مهمی در خلق نقدینگی دارد. تراز منفی بانک‌ها حاکی از عدم توجه به خلق نقدینگی و عدم کنترل این قضیه است. بهترین راه حل بر این مساله افزایش نظارت بانکی و لزوم توجه به کفایت سرمایه است. نسبت کفایت سرمایه بر اساس مصوبه کمیته بال 12 درصد است. این درحالی است اکثر بانک‌های داخلی از کفایت سرمایه بسیار پائین و بعضاً منفی برخوردار هستند. برای کاهش ریسک عملیات بانک‌ها، بانک مرکزی باید نظارت موثری برای افزایش کیفیت سرمایه و ترکیب و کیفیت دارایی بانک‌ها اعمال نماید.</p>	<p>1</p> <p>ارائه راهکار</p>



<p>در بخش تورم و ماده ۷، اهداف کمی سنجه‌های عملکردی، میزان کسری بودجه و نسبت‌های پوشش کسری بودجه توسط راه‌های بیان شده مشخص گردد.</p> <p>در بخش تورم و ماده ۸، بخش الف اصلاح شده و بر اساس تجربیات موفق که نسبت کفایت سرمایه را ۱۲ درصد بیان نموده‌اند، اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>با توجه به وضعیت تحریمی ایران و ثابت ماندن عرضه کل تولید به دلیل ورود نکردن محصولات واسطه‌ای و سرمایه‌ای در دهه اخیر، هرگونه افزایش در تقاضای کل، به ایجاد تورم در کشور می‌شود. از سوی دیگر با توجه به منفی بودن نرخ بهره حقیقی در ایران و جذاب بودن وام گیری سبب می‌گردد تا تقاضا برای وام گیری افزایش یافته و همچنین وجود روابط و سفارش‌ها در سیستم بانکداری و وجود کزگزینه سبب می‌گردد تا وام‌های اعطا شده منجر به افزایش تقاضای کل شده و در فعالیت‌های مولد گردش نداشته باشد.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	
<p>یکی از مهم ترین ابزارهای بانک مرکزی در کنترل تورم، استفاده از نرخ بهره است. در اقتصاد کشور ما این ابزار مهم به صورت دستوری تعیین شده و برای سال‌های متمادی ثابت مانده است. ویژگی مهم نرخ بهره این است که سبب می‌گردد تا تقاضای مصرف کنندگان به آینده منتقل گردد. این در حالی است که چون وضعیت عرضه کل در ایران مساعد نیست و وضعیت تورمی می‌تواند این وضعیت را وخیم تر نماید، لازم است از نرخ بهره استفاده شده و تقاضای کل را کنترل کرده و ملزومات تقویت عرضه کل فراهم گردد. در این راستا توصیه بر آن است که در برنامه هفتم توسعه، به فرایند تعیین نرخ بهره بهینه توجه گردد.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	<p>2</p>
<p>در بخش تورم به ماده ۱۰ و در حوزه وظایف بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>در محاسبه تورم، از میانگین تغییرات قیمت ۳۱۳ کالا استفاده می‌شود. از این 313 کالا، سهم بخش مسکن بسیار بالا است. به عبارت بهتر، کنترل قیمت بخش مسکن می‌تواند در کنترل تورم مفید واقع شود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد حضور بانک‌های تجاری در بازار مسکن و بنگاهداری این سازمان نقش پررنگی در افزایش قیمت و ایجاد تورم دارد. با در نظر گرفتن این بحث و با توجه به تأمین مالی کسری بودجه دولت توسط بانک‌های تجاری، به نظر می‌رسد دولت و بانک مرکزی نقش نظارتی خود بر بانک‌های تجاری را از دست داده‌اند. نتیجه استقراض دولت از منابع بانک‌های تجاری برای پوشش کسری بودجه آن است که اولاً دولت با خیال راحت به افزایش هزینه‌های خود می‌پردازد؛ از سوی دیگر، بانک‌های تجاری نه تنها می‌توانند از بانک‌های مرکزی استقراض نمایند، بلکه به سفته بازی و بنگاهداری روی آورده و بافاصله گرفتن از رسالت خود به دلیل چشم‌پوشی دولت از تخلفات این سازمان، بر تورم دامن می‌زنند.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>3</p>
<p>در برنامه هفتم توسعه باید این نکته مطرح گردد که استفاده دولت از منابع بانک‌های تجاری مطلقاً ممنوع است. همچنین نهادهای نظارتی باید بر بنگاهداری بانک‌های تجاری نظارت کرده و بانک‌ها را ملزم به خروج از فعالیت های سفته بازانه نمایند.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش تورم و به ماده ۱۰ در حوزه وظایف بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار اضافه گردد</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>وقوع جهش‌های ارزی در ایران سهم بسیار به سزایی در ایجاد تورم دارد. جهش ارزی در ایران در نتیجه سال‌ها سرکوب ارزی در اقتصاد است. با فرآیند چاپ پول در اقتصاد ایران، بستر لازم برای گران شدن تمامی کالاها مهیا می‌شود ولی سرکوب نرخ ارز به‌عنوان راهکار اصلی مهار تورم از سوی دولت‌ها اجرا شده است. نتیجه این امر آن است که نرخ ارز تعدیل نمی‌گردد. ادامه این</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>4</p>



<p>فرایند، فاصله گرفتن نرخ ارز از مقدار تعادلی خود می‌شود. در این راستا و با وقوع یک نااطمینانی در جامعه، نرخ ارز مسیر چندساله را یک‌روزه طی کرده و به تورم دامن می‌زند و همان تورم مجدداً منجر به افزایش نرخ ارز شده و مارپیچ‌های مختلفی از جمله مارپیچ تورم-ارز-تورم و تورم-دستمزد-تورم می‌شود.</p>		
<p>در برنامه هفتم توسعه، باید از هرگونه تعیین نرخ ارز که سبب شود در بلندمدت نرخ ارز دچار جهش گردد جلوگیری شود. بهترین راه حل ممکن اجازه تعدیل نرخ ارز مانند سایر کالاها بر اساس تورم است. در این سیستم، وجود تورم سبب خواهد شد تا تعدیلات ارزی بر اساس تورم مدنظر تصمیمات عاملان اقتصادی قرار گیرد. این در حالی است که در جهش ارزی این تعدیلات مدنظر قرار نمی‌گیرد و با توجه به خاصیت تورمزایی که دارد، از عوامل ایجادکننده رکود اقتصادی به دلیل ایجاد نااطمینانی می‌باشد.</p> <p>شایان ذکر است آمارهای اقتصادی نشان می‌دهند که اگر میزان تعدیل نرخ ارز بسیار بیشتر از تورم باشد، صدمات جبران ناپذیری بر اقتصاد تحمیل می‌نماید و بهتر است اندازه تعدیل در حد تورم باشد</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش تورم و ماده ۱۱، در حوزه وظایف بانک مرکزی اضافه گردد.</p>		
<p>از آنجایی که تورم مختل کننده رشد اقتصادی است و رشد اقتصادی نیز در مهار تورم تأثیرگذار است، باید ارتباط این دو عامل مهم به دقت بررسی گردد. طبق اصول اقتصادی، روابط نامتقارن بین این دو متغیر وجود دارد؛ به طوری که تورم تا حدی منجر به افزایش رشد اقتصادی شده و بعد از عبور از حد آستانه‌ای در کاهش رشد اقتصادی نقش مؤثری ایفا می‌نماید در برنامه هفتم توسعه اشاره شده است که هدف گذاری تورم در حدود ۵/۹ درصد خواهد بود. بررسی ساختار تورم ایران نشان می‌دهد که در ایجاد تورم‌های تک رقمی دو عامل سرکوب مالی و سرکوب ارزی نقش داشته است. در هر دو مورد گرچه تورم در آن بازه زمانی کنترل شده است ولی به محض وارد شدن یک شوک منفی به اقتصاد جهش تورمی در کشور رخ داده و رشد اقتصادی به شدت کاهش یافته است. به نظر می‌رسد در هدف گذاری این نرخ ساختار و شرایط اقتصاد ایران و همچنین مهار تورم در بلندمدت در نظر گرفته نشده است.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>5</p>
<p>با توجه به ساختار وضعیت اقتصاد ایران و بالا بودن هزینه‌های دولتی و مشخص نبودن وضعیت تحریمی، استفاده از سرکوب مالی و ارزی در راستای تحقق این هدف دوازدهم نیست. به عبارتی شاید در سال ۱۴۰۶ تورم ۹.۵ درصدی با استفاده از سرکوب مالی و ارزی محقق شود؛ ولی امکان دارد شرایط کنترل را برای دوره‌های بلندمدت و بعد از سال ۱۴۰۶ پیچیده نماید. در این راستا لازم است نرخ هدف گذاری تورمی مجدداً کارشناسی شده و نرخی که می‌تواند بدون سرکوب ارزی و مالی، بالاترین عایدی برای کل اقتصاد داشته باشد، مدنظر قرار بگیرد.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش تورم و به ماده ۷ ضمیمه گردد.</p>		
<p>در حوزه وظایف بانک مرکزی است با همکاری وزارت علوم و تحقیقات، هر سال نرخ تورم بهینه را که منجر به افزایش رفاه کل اقتصاد می‌گردد را محاسبه کرده و هدف گذاری نماید.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>در بخش رشد اقتصادی مطرح گردید که اقتصاد ایران به دلیل تحریم‌های اقتصادی و به روز نشدن تکنولوژی و مشکل موجود در صادرات و واردات از ناحیه عرضه کل به شدت آسیب دیده است. تحت شرایطی که رکود اقتصادی در کشور حاکم است، استفاده</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>6</p>



<p>از سیاست‌هایی که تقویت کننده تقاضای کل باشد مسلماً تورم‌زا خواهد بود. در این راستا سیاست‌گذار همواره تسهیلات تکلیفی بسیار ارزان را به بانک‌ها تحمیل می‌نماید. این راه‌کار ضمن آنکه منجر به انحراف اعتبارات از مسیر تولید و منفی شدن تراز بانک‌ها می‌شود، توسط اعتبارات گیرندگان به فضای سفته بازی هدایت می‌شود. نمونه بارز آن که تسهیلات اندکی را شامل می‌شود، وام ازدواج است که منجر به تقاضای بسیار شدید در بازار طلا می‌شود که به شدت تقویت کننده انتظارات تورمی است و منجر به اثرگذاری بالای پول بر تورم می‌شود. سایر تسهیلات نیز با شدت بسیار بالا در فعالیتهای نامولد هدایت می‌شوند و منجر به عمیق شدن بحران اقتصادی می‌گردند.</p>		
<p>از آنجایی که تسهیلات تکلیفی با نرخ‌های بهره کمتری پرداخت می‌شوند، احتمال ورود به فعالیتهای سفته بازانه به دلیل سودهای زیاد به شدت بالا است. از سوی دیگر در فضای رکودی کشور، تله نقدینگی به شدت فعال بوده و استفاده از سیاست پولی انبساطی نه تنها منجر به ایجاد تولید نمی‌گردد بلکه به شدت تورم‌زاست و این تورم در عدم تحریک عرضه کل اقتصاد که مشکل اصلی اقتصاد امروز ایران است، نقش مؤثری ایفا می‌نماید. اعطای کلیه تسهیلات تکلیفی در دوران رکود اقتصادی کشور ممنوع است.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش تورم و به ماده ۱۰ ضمیمه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>آمارهای اقتصادی نشان می‌دهند تورم‌های به شدت بالا در کشور زمانی رخ داده است که جهش ارزی به وقوع پیوسته است. در این راستا، ارزآوری در جهت کنترل و جلوگیری از جهش ارزی نقش بسیار مؤثری ایفا می‌نماید. از سوی دیگر محدودیت‌های در اقتصاد کشور اعمال می‌گردد که منجر به محدود شدن فعالیتهای ارزآور در کشور شده است. با توجه به وضعیت رکودی کشور، صادرات بیشتر محصولات به دلیل کاهش عرضه در داخل و گران شدن آن محصول محدود می‌گردد. این در حالی است که در کوتاه مدت می‌تواند برافزایش قیمت محصولات تأثیر مستقیم داشته باشد؛ ولی در بلند مدت می‌تواند با واردکردن ارز، از شوک‌های ارزی جلوگیری به عمل آورده شود و همچنین منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر در کشور و صادرات آن محصول شده و در افزایش سهم اشتغال نقش مؤثری داشته باشد.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>7</p>
<p>محدود کردن کلیه‌ی فعالیتهای صادراتی که منجر به ارز آوری می‌شود در طول برنامه توسعه مطلقاً ممنوع است.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش تورم و به ماده ۱۱ در حوزه وظایف وزارت صنعت، معدن، تجارت و وزارت جهاد کشاورزی، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و امور دارایی اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>در لایحه برنامه هفتم توسعه نوشته شده است که بانک مرکزی ملزم است در بازار ارز و طلا فعالیت داشته باشد. لازم است این بند از لایحه تشریح گردد که منظور از حضور در این بازارها کنترل نوسانات آن است یا سرکوب و ثابت نگه داشتن قیمت این دو کالا؟؟</p> <p>طبق اصول و مباحث پولی بانک مرکزی می‌تواند از ابزارهای گوناگون در مبارزه با تورم استفاده نماید. در دسترس‌ترین راه‌حل کنترل پایه پولی است. اما دخالت در بازار ارز و طلا نیازمند آن است که کنترل پایه پولی در اولویت بعدی قرار گیرد، به طوریکه حضور در بازار ارز نیازمند تزریق و جمع آوری پول است. بنابراین این سیاست سبب می‌گردد یکی از ابزارهای مهم بانک مرکزی</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>8</p>



<p>در کنترل تورم و یا اعمال سیاست پولی بهینه از بین برود. به عبارت بهتر اگر نرخ ارز تمایل به کاهش داشته باشد و سیاستگذار مخالف کاهش نرخ ارز باشد، باید پول ملی به بازار تزریق نماید که همان سیاست پولی انبساطی بوده و خلق کننده تورم است و اگر نرخ ارز تمایل به افزایش داشته باشد، نیازمند جمع آوری پول ملی است که تقویت کننده رکود اقتصادی است. بنابراین حلقه مفقوده در اقتصاد ایران سیاست پولی ناکارآمد است و این ناکارآمدی بسیاری از مشکلات سیستماتیک کشور را به وجود آورده است.</p>		
<p>طبق اصول اقتصادی سیاست‌های پولی زمانی اثرگذاری بالایی بر اقتصاد دارند که رژیم ارزی کشور ثابت نباشد. در این راستا توصیه بر آن است که کنترل پایه پولی بر اساس تنظیم نرخ تورم، رشد اقتصادی و سرعت گردش پول باشد، نه بر اساس تنظیم نرخ ارز و طلا.</p> <p>شایان ذکر است: امروزه اقتصاد ایران درگیر کسری بودجه است و همین کسری منجر به افزایش خلق نقدینگی و تورم شده است، در حالی که در زمان‌های مساعد نیز با نداشتن سیاست پولی کارآمد، تورم در کشور و با وجود مازاد بودجه نیز رقم خورده است. سیاست پولی کارآ راه حل نجات مهار تورم و رشد اقتصادی است. در این راستا توصیه بر آن است که از سیستم ارزی ثابت در طول برنامه جدا جلوگیری به عمل آید. با اعمال رژیم‌های ارزی منعطف ابزارهای پولی اثرگذاری بالایی خواهند داشت.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش تورم، ماده ۱۱ بند ب به صورت زیر اصلاح گردد:</p> <p>بانک مرکزی موظف است در راستای کنترل نوسانات ارز در بازار ارز مداخله نماید ولی اجازه دستکاری قیمت نرخ ارز را ندارد</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>یکی از مصائب اقتصاد ایران که سبب می‌گردد تا فضای رانت‌بازی و رانت‌خواری شکل بگیرد، وجود چند نوع نرخ ارز در ایران است. سیاستگذاران باید بر این نکته توجه داشته باشند که وضعیت تورمی امروز اقتصاد کشور که بیشتر از ناحیه سیاست‌های پولی است، سبب شده است رقابت برای گرفتن ارز دولتی، منافع بیشتری را به جهت سود بسیار بالای آن حاصل کند. به عبارت بهتر، زمانی که ارز دولتی قیمتی معادل نصف قیمت ارز بازار آزاد داشته باشد، امکان انحراف در اهداف سیاست‌گذار ارزی به دلیل تفاوت قیمتی وجود خواهد داشت. به عبارت بهتر دریافت‌کنندگان ارز دولتی به راحتی می‌توانند کالاهای وارداتی را با توجه به تورم موجود در بازار توزیع نمایند و در این راستا امکان انحراف در اهداف سیاستگذار ارزی و ایجاد فساد وجود دارد. از سوی دیگر، صادرکنندگان با توجه به وضعیت تورمی کشور، هزینه‌های خود را تعدیل می‌نمایند ولی ملزم اند که ارز صادراتی خود را بر اساس نرخ ارز دولتی در بازار توزیع نمایند. نتیجه چنین رویکردی کاهش قدرت رقابت‌پذیری صادرکنندگان و عدم توسعه یافتگی و عدم صنعتی شدن اقتصاد کشور است.</p> <p>شایان ذکر است مهمترین عامل در بهبود نرخ ارز، رشد اقتصادی است. اگر بانک مرکزی و دولت صنعتی سازی اقتصاد را در اولویت قرار دهند و فضای رقابتی برای تولیدکنندگان کشور فراهم آورند، در بلند مدت صنعتی شدن اقتصاد، رقابت‌پذیری اقتصاد را افزایش داده و قطع به یقین کاهش ملموس نرخ ارز در اقتصاد ایران رقم خواهد خورد. به عبارت بهتر، فضای اقتصادی امروز کشور ایجاب می‌نماید که نرخ ارز تعادلی روند صعودی داشته باشد و این به دلیل سیاست‌های پولی و مالی نامناسب طی</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>9</p>



<p>دو دهه اخیر بوده است. در این راستا هرگونه انحراف از مقدار تعادلی نرخ ارز می‌تواند مشکلات عدیده‌ای مانند کاهش قدرت رقابت پذیری، کاهش قدرت خرید دولت، فرار سرمایه، جذب نشدن سرمایه‌گذار خارجی، پدیده قاچاق کالا و خدمات و...</p>		
<p>در راستای سیاست گذاری مناسب پولی و مالی، نرخ ارز تعادلی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نماید. در این راستا بانک مرکزی موظف است با همکاری سازمان برنامه و بودجه و اتاق بازرگانی ایران مطالعه‌ی کارشناسی انجام دهد و نرخ ارز بهینه که مطمئناً تک‌نرخ است را در سیاست گذاری اعمال نماید. در اقتصاد امروز ایران حداقل سه نوع نرخ ارز وجود دارد که عبارت است از نرخ 28500 تومانی، نرخ ارز نیمایی و نرخ ارز بازار آزاد. در طول برنامه توسعه لازم است با تدوین یک برنامه کارآمد زمینه لازم برای تک‌نرخ کردن نرخ ارز و رسیدن به نرخ ارز بهینه فراهم گردد</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش تورم و به ماده ۱۱، تک‌نرخ شدن نرخ ارز توسط بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه ضمیمه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>فصل سوم : ساختار بودجه</p>		<p>ردیف</p>
<p>یکی از عوامل مهم در ایجاد کسری بودجه ایران عدم پیش بینی دقیق درآمدها و هزینه‌های دولت است. در موارد متعددی بعد از تصویب بودجه سالانه توسط مجلس، نهاد، سازمان‌ها و اشخاص با اعمال نفوذ پروژه‌هایی جدیدی را مطالبه می‌کنند. این در حالی است که چنین هزینه‌هایی در ساختار بودجه پیش بینی نشده و بالطبع محل تامین هزینه‌های آنها نیز مشخص نگردیده است. چنین وضعیتی سبب می‌شود دولت با کسری بودجه مواجه گردیده و با چاپ پول به تورم دامن بزند. یا در موارد معدودی که افزایش درآمد موقتی ایجاد شده است فوراً منجر به افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود. نمونه بارز آن درآمدهای نفتی در دهه 1380 است که سبب افزایش هزینه‌های دولتی شد که بعداً با کاهش درآمدهای نفتی، امکان کاهش هزینه‌ها میسر نبود و به بی‌انضباطی مالی دولت دامن زده است.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>1</p>
<p>بعد از تصویب بودجه سالانه، تعریف پروژه و اضافه کردن هزینه بر ساختار بودجه توسط نهادها و سازمان‌ها مطلقاً ممنوع است. شایان ذکر است بعد از تصویب بودجه سالانه و در صورت تحقق مازاد بر درآمد از درآمد پیش‌بینی شده، دولت حق استفاده از آن درآمد در پوشش هزینه‌های جاری را ندارد.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش اصلاح ساختار بودجه و به ماده ۱۳ اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>یکی از منابع درآمدی دولت، درآمدهای ارزی است. به دلیل وجود تورم در ایران، ترجیح دولت بر آن است که نرخ ارز را ثابت نگه داشته و از تعدیل آن برحسب تورم خودداری کند تا از این طریق بتواند مشکل تورم را حل نماید. این در حالی است که این رویکرد منجر به کاهش قدرت خرید دولت شده و باعث چاپ پول در راستای پوشش هزینه خواهد شد. همان‌گونه که بحث گردید ریشه اصلی تورم، تقاضا و عرضه پول است و دولت می‌تواند با استفاده از نرخ ارز بهینه که نرخ بالاتر از نرخ سیستم ارزی ثابت است، عایدی داشته باشد و از چاپ پول خودداری کند و از این طریق گام مهم در کنترل تورم ایفا نماید.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>2</p>
<p>تعیین دستوری نرخ ارز مطلقاً ممنوع است. نرخ ارز یکی از منابع درآمدی دولت است و لازم است بصورت بهینه تعیین گردد تا دولت با کاهش قدرت خرید مواجه نگردد. این توصیه مبنی بر این نیست که دولت هر موقع با کسری بودجه مواجه گردید، اقدام</p>	<p>ارائه راهکار</p>	



<p>به دستکاری نرخ ارز و افزایش نرخ ارز بگیرد؛ بلکه بودجه دولت باید طبق اصول و راهکار علمی که ارتباط خاصی با سایر بخش‌ها دارد، مورد توجه قرار گیرد. درآمد نفتی دولت به صورت حاصل ضرب نرخ ارز در قیمت نفت و میزان صادرات نفت تعیین می‌گردد. در این راستا، تغییرات نفت در دست دولت ایران قرار ندارد؛ بلکه تغییرات آن به صورت شوک خارجی عمل می‌نماید. بنابراین بودجه دولت باید طوری تنظیم گردد که بتواند شوک‌های خارجی و تغییرات قیمت نفت را به صورت درون‌زا مدیریت نماید تا مشکل درآمدی دولت دچار ابهام نگردد. نرخ ارز کاملاً ویژگی مدیریت تغییرات قیمت نفت و شوک‌های خارجی را حل نموده و با تغییرات خودکار قیمت ارز که ارتباط مستقیمی با قیمت نفت خواهد داشت، درآمد پیش بینی شده دولت کاملاً محقق می‌گردد. اصول علمی در جهت مدیریت درآمدهای خارجی: هر قدر میزان بازبودن کشور افزایش یابد، از نظام ارزی منعطف استفاده گردد.</p> <p>مهم: درآمد نفتی اگر به طریق بهینه و صحیح مدیریت شود کاملاً توانایی حل مشکلات کسری بودجه، تورم، رشد اقتصادی، ساختن اقتصاد مولد و سالم، ترکیب صادراتی متنوع و ... را داراست و به وجود آوردن مشکلات در دهه‌های قبل دلیل نمی‌شود که درآمدهای نفتی کنار گذاشته شود.</p>	
<p>در بخش اصلاح ساختار بودجه، به ماده ۱۴ اضافه گردد</p>	<p>ضمیمه</p>
<p>یکی از موارد مهم در بی انضباطی مالی دولت، نبود شفافیت در ساختار بودجه است. دولت با ردیف‌های بودجه‌ای متنوعی روبرو است و همه ردیف‌های بودجه‌ای را تأمین مالی می‌نماید. این در حالی است که در مقابل این هزینه کرد سنگین دولت هیچ گزارشی از عملکرد این سازمان‌ها ارائه نمی‌گردد. شفافیت در بودجه می‌تواند سبب گردد تا سازمان‌ها در قبال بودجه‌ای که دریافت کرده‌اند پاسخگو بوده و با افزایش بهره‌وری، در افزایش درآمد و کنترل تورم مؤثر واقع شوند.</p>	<p>آسیب شناسی</p> <p>3</p>
<p>دولت باید ردیف بودجه‌هایی که به اتلاف منابع منجر می‌شوند و هیچگونه بهره‌وری برای کشور ندارند، حذف نماید</p>	<p>ارائه راهکار</p>
<p>در بخش اصلاح ساختار بودجه و به ماده ۱۸ اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>
<p>یکی از موارد بسیار مهم که سبب شده است تا هزینه‌های جاری دولت هر روز افزایش یابد، دسترسی به منابع صندوق توسعه ملی است. از آنجایی که میزان بهره‌وری در بخش اداری دولت بسیار پایین است، منابع ارزی به پول ملی تبدیل شده و به دلیل بهره کم، تورم در کشور تقویت شده است. با این حال، تجربه اقتصاد ایران در دهه ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که تبدیل ارزهای نفتی به پول ملی سبب شده است که پایه پولی به شدت افزایش یابد؛ ولی این افزایش پایه پولی به تورم‌های به شدت بالا منجر نشده است. مهمترین دلیل این امر آن است که بیشتر این ارزها در واردات صرف شده و از این طریق تورم نیز کنترل گردیده بود. در این راستا، در لایحه برنامه هفتم توسعه اشاره شده است که صندوق توسعه ملی باید یک دوازدهم منابع خود را در اختیار دولت قرار دهد. از آنجایی که بخش عرضه کل اقتصاد به دلیل کمبود ارز با مشکل مواجه گردیده است و لازم است تا ارز در اختیار تولید کنندگان قرار گیرد، به نظر می‌رسد دولت با استفاده از منابع ارزی، صرفاً هزینه‌های جاری خود را پوشش خواهد داد که این امر مخل رشد اقتصادی هدف‌گذاری شده می‌باشد. بنابراین لازم است تفکیک بودجه ارزی و ریالی صورت گیرد. به عبارت بهتر درآمدها ریالی دولت صرف هزینه‌های جاری دولت خواهد شد و دولت نباید از منابع ارزی در پوشش هزینه‌های جاری خود استفاده نماید.</p>	<p>آسیب شناسی</p> <p>4</p>



ارائه راهکار	سازمان برنامه و بودجه موظف است در تدوین بودجه سالانه، درآمدهای ارزی و ریالی خود را تفکیک نماید و استفاده از منابع ارزی در هزینه‌های جاری در طول برنامه توسعه مطلقاً ممنوع است.
ضمیمه	در بخش اصلاح ساختار بودجه به ماده ۱۴ ضمیمه گردد.
آسیب شناسی	یکی از عوامل مهم در کاهش درآمد مالیاتی کشور، پاسخگو نبودن و عدم ارائه خدمات در قبال مالیات ستانی که منجر به افزایش فرار مالیاتی است شده است. متأسفانه در اقتصاد ایران، درآمدهای مالیاتی صرف امور و هزینه‌های جاری می‌گردد که منفعتی برای پرداخت کننده مالیات ندارد. اگر وضعیت هزینه کرد درآمدهای مالیاتی در کشور مشخص گردد و این درآمدها در زیرساخت-های اقتصادی و امنیتی هزینه شود، انگیزه برای پرداخت مالیات افزایش یافته و درآمدهای مالیاتی افزایش خواهد یافت.
5 ارائه راهکار	در جهت کاهش هزینه‌های دولت و افزایش درآمدهای مالیاتی، لازم است اندازه دولت کوچک شده و عدالت مالیاتی در کشور تحقق یابد. پرداخت کنندگان مالیات باید به صورت مستقیم و غیرمستقیم نسبت به فراریان مالیاتی از پرداخت مالیات منتفع گردند. در اقتصاد ایران، سواری مجانی به شدت رونق داشته و هزینه‌های اکثریت جامعه از جیب تولیدکنندگان پرداخت می‌شود. این در حالی است که تولیدکنندگان باید سهم بیشتری در خدمات ارائه شده توسط دولت به سبب پرداخت مالیات داشته باشند ولی هزینه مالیات را تولیدکنندگان پرداخته و نفع آن برای فراریان مالیاتی است که بهره‌وری و عایدی برای کشور ندارند، است.
ضمیمه	در بخش اصلاح ساختار بودجه و به ماده ۱۸ اضافه گردد.
آسیب شناسی	وضعیت کسری بودجه ایران به دلیل عدم پیش بینی صحیح درآمدها و هزینه‌های دولت محقق می‌گردد. دولت برای دستیابی به درآمدهای مالیاتی پایدار باید به انگیزه تولید کننده توجه داشته باشد. مالیات به جز آنکه منجر به فراهم شدن بودجه برای نظارت و توسعه اقتصادی می‌شود از ابزارهای مهم در تقویت و تضعیف انگیزه‌ی مالیاتی نیز محسوب می‌شود. دولت در راستای تقویت انگیزه تولیدکننده لازم است تا بسترهای لازم در جهت تقویت تشکیلات تولیدی تولیدکنندگان را فراهم آورد و از گرفتن مالیات بدون توجه به انگیزه مالیاتی خودداری نماید. در اقتصاد فعلی ایران هر قدر نرخ مالیاتی بیشتر اعمال گردد، صرفاً منجر به افزایش هزینه تولید کننده شده و بعد از مدتی به تعطیلی آن بنگاه منجر خواهد شد. از آنجایی که اقتصاد کشور با مشکل تقویت تکنولوژی و وارد نشدن تجهیزات سرمایه‌ای روبرو است، افزایش نرخ مالیات نخواهد توانست منجر به تقویت تولید شود. دلیل این امر آن است که تولید کننده با تولید بیشتر، صرفاً عمر تجهیزات خود را کاهش خواهد داد. این در حالی است که تولیدکننده اگر مطمئن باشد که می‌تواند تجهیزات کارخانه‌ای را به موقع به‌روزرسانی کند، افزایش نرخ مالیات سبب خواهد شد تا با تولید بیشتر، مالیات پرداختی را پوشش دهد.
ارائه راهکار	دولت برای داشتن درآمدهای مالیاتی پایدار باید <u>محدودیت‌های</u> موجود در حوزه تجهیزات کارخانه‌ای و تکنولوژی را مرتفع نماید و اولویت اصلی دولت در واردات، محصولات مورد نیاز بنگاه‌های با تکنولوژی‌های به روز دنیا باشد. در شرایطی که امکان تولید بیشتر صرفاً منجر به استهلاک زودتر تجهیزات کارخانه‌ای می‌شود، افزایش نرخ مالیات کاهش دهنده انگیزه تولید خواهد بود. در این راستا توصیه بر آن است که روابط تجاری با شرکای اصلی اقتصاد ایران که در حوزه تکنولوژی و محصولات سرمایه‌ای پیشرو هستند احیا گردد. (به دلیل تحریم‌های اقتصادی، این روابط تضعیف گردیده و مشکلات اصلی تولیدکنندگان از این طریق



<p>حادثتر شده است). همچنین لازم است بین صندوق توسعه ملی، سازمان برنامه و بودجه و اتاق ایران برنامه‌های تدوین گردد و مشکلات اصلی عرضه کل شناسایی شده و با برآورد ارز لازم، مشکلات تولیدی کشور که با واردات تکنولوژی فراهم می‌گردند در اوویت تخصیص ارز قرار بگیرند. با حل شدن مشکل عرضه کل و مخصوصا مشکلات صنایع کشور، میزان درآمدهای پایدار مالیاتی به سبب رونق گرفتن تولید در کشور فراهم می‌گردد.</p> <p>*** در تمامی مباحث اقتصادی باید به این نکته توجه گردد که مشکل اصلی تولید در اقتصاد امروز ایران، مربوط به بخش عرضه کل اقتصاد است و در تمامی سیاست گذاری‌های اقتصادی باید بر عوامل تحریک کننده عرضه توجه گردد. مالیات یکی از عواملی است که به شدت بر عرضه کل اقتصاد تأثیرگذار است و در شرایط رکودی باید با احتیاط و کار کارشناسی میزان آن تعیین گردد. و این اصل باید همیشه مدنظر قرار گیرد که درآمدهای مالیاتی تابعی از درآمد ملی و عرضه کل اقتصاد است و بدون فراهم نشدن تولید، درآمدهای مالیاتی محقق نمی‌گردد.</p>		
<p>در بخش اصلاح ساختار بودجه و به ماده ۱۴ اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>اصلاح نظام مالیاتی</p>		
<p>یکی از منابع درآمدی مهم دولت، درآمدهای مالیاتی است. آمارهای تجربی نشان می‌دهند که درآمدهای مالیاتی حتی هزینه‌های جاری دولت را نیز کفاف نمی‌دهد. بررسی آمارها نشان می‌دهد که فاصله گرفتن درآمدهای مالیاتی از هزینه‌های جاری در دهه 1380 اتفاق افتاده است. دلیل این امر حاکم شدن بیماری هلندی در ایران است. به عبارت بهتر حاکم شدن درآمدی نفتی در اقتصاد ایران و افزایش واردات و رکود از یک سو و اقدام دولت به بزرگ کردن اندازه دولت از سوی دیگر منجر به فاصله گرفتن درآمدهای مالیاتی از هزینه‌های جاری شده است. از سو دیگر، دولت به هر نحو ممکن پوشش کسری بودجه را در اولویت قرار داده است و این مغایر با رشد ۸ درصدی هدف گذاری شده است. بهتر است دولت تمامی مواردی را که بر تولید آسیب می‌رسانند را برطرف نموده و از سیاست گذاری اقتصادی حذف نماید. در این راستا پیشنهاد در وضعیت فعلی اقتصاد، کاهش نرخ مالیات و در اولویت قراردادن تولید نسبت به پوشش کسری بودجه است.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	
<p>از آنجایی که درآمدهای مالیاتی تابعی از درآمد ملی است؛ لازم است برای افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در کشور، به ساختار تولید و فراهم آوردن شرایط رونق اقتصادی توجه شود. بارونق تولید، دولت می‌تواند با استفاده از سازو کار های مختلف مانند تعریف پایه مالیاتی و انواع مختلفی از نرخ مالیاتی به افزایش درآمد از این محل فکر کند. بر این اساس توصیه بر آن است که مالیات گیری با توجه به ساختار تولیدی کشور تنظیم گردد نه بر اساس شرایط کسری بودجه دولت. مالیات ستانی برای پوشش کسری بودجه بدون توجه به سیکل‌های تجاری می‌تواند تولید را کاهش داده و از این محل پیش بینی دولت در مورد درآمدهای مالیاتی را محقق نسازد و وضعیت بودجه را به شدت ناپایدار نماید.</p> <p>به عبات بهتر، اساس تئوری‌های اقتصاد کلان در صورتی که وضعیت اقتصاد کشور رکودی باشد، اعمال سیاست پولی انبساطی منجر به ایجاد تله نقدینگی شده و هیچ تاثیری بر تولید نخواهد داشت. این در حالی است که سیاست مالی انبساطی مانند کاهش نرخ مالیات سبب افزایش جذابیت تولید شده و توانایی بالقوه‌ای در تقویت تولید کشور دارد. در این راستا افزایش انواع نرخ مالیات در وضعیت کنونی کشور بر ضد تولید بوده و وضعیت رکودی کشور را عمیق تر خواهد کرد. از سوی دیگر اعمال نرخ بهینه مالیات</p>	<p>ارائه راهکار</p>	<p>1</p>



<p>سبب خواهد شد تا تولید تقویت شده و در همان نرخ بهینه مالیات مقدار درآمدهای مالیاتی حداکثر گردد. در مباحث اقتصاد کلان این قضیه مبرهن بوده و به قانون لافر معروف است و کاهش مالیات در وضعیت رکودی بر عرضه کل اقتصاد مفید بوده و آن را تقویت می‌نماید.</p> <p>با توجه به اینکه اقتصاد ایران در وضعیت رکودی به سر می‌برد، کاهش نرخ مالیات باعث افزایش تولید و حداکثر شدن درآمد مالیاتی می‌گردد و توصیه بر آن است که دولت در برنامه هفتم توسعه، مالیات ستانی را بر اساس چرخه‌های تجاری کلان کشور تعیین نماید.</p>	
<p>در بخش اصلاح نظام مالیاتی، ماده ۲۶ و جدول شماره ۴ بر اساس هر سال و طبق رشد اقتصادی محقق شده، اصلاح گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>
<p>در اقتصاد ایران مهمترین پدیده غالب در به وجود آمدن کسری بودجه دولت، درآمدهای مالیاتی اندک است. دولت در راستای افزایش درآمدهای مالیاتی لازم است چند متغیر کلان اقتصادی و اجتماعی را دستخوش تغییر نماید و به اصطلاح اصلاح نماید تا درآمدهای مالیاتی پایدار در کشور محقق گردد. در اقتصاد ایران، سهم بزرگی از درآمدهای مالیاتی به دلیل فرار مالیاتی محقق نمی‌گردد و لازم است برنامه هفتم توسعه در ساختار بودجه ابزارهای لازم برای مبارزه با فرار مالیاتی را پیش‌بینی نماید تا این امر حاصل گردد. متأسفانه لایحه برنامه هفتم افزایش نرخ مالیات، افزایش مالیات بر سرمایه و ... را پیش‌بینی نموده است که صرفاً به کاهش درآمدهای مالیاتی و رکود و افزایش اقتصاد زیر زمینی و فرار مالیاتی منجر خواهد گردید. چند عامل مهم که از تحقیقات علمی برای اقتصاد کشور ایران استنباط شده است و در افزایش پدیده فرار مالیاتی موثر است نام‌برده می‌شود:</p> <p style="text-align: center;">✓ آزادسازی تجاری</p> <p>افزایش محدودیت‌های تجاری باعث گسترش اقتصاد زیرزمینی می‌شود. اعمال محدودیت‌های تجاری منجر به این می‌شود که واردات و صادرات به صورت غیرقانونی و قاچاق انجام گیرد و باعث افزایش فرار مالیاتی شود. همچنین با کاهش محدودیت‌های تجاری از قبیل سهمیه‌بندی‌ها، تعرفه‌های بالا می‌توان حجم فعالیت‌های قاچاق کالا را کاهش داد. در کشورهای در حال توسعه، علاوه بر محدودیت‌های تعرفه، از سیاست‌های غیر تعرفه‌ای نیز استفاده می‌شود. سیاست‌های غیرتعرفه‌ای شامل ممنوعیت واردات یا صادرات برخی از اقلام به‌طور کلی یا موقت، قطع یا محدود ساختن رابطه تجاری با کشورهای خاص، سهمیه بندی مقدار واردات یا صادرات تعدادی از کالاهاست.</p> <p style="text-align: center;">✓ تورم</p> <p>رشد سطح عمومی قیمت کالاهای مصرفی اثر قابل توجهی بر افزایش فرار مالیاتی دارد. با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، بسیاری از خانوارها زیر خط فقر قرار می‌گیرند. فقر و ناتوانی در تأمین حداقل درآمد، انگیزه ورود به اقتصاد زیرزمینی را افزایش می‌دهد که خود منجر به فرار مالیاتی بیشتر می‌شود.</p> <p style="text-align: center;">✓ بوروکراسی اداری و ساختار ناکارآمد مالیاتی :</p> <p>یکی از علل فرار مالیاتی، تشکیلات پیچیده، طویل و گاهاً متناقض اداری است. در این راستا بایستی فرآیندهای اجرایی به ساده‌ترین صورت و سهل‌العمل‌ترین روش‌ها بدون هر گونه کاغذبازی اضافی مستند گردند و در کنار آن به</p>	<p>آسیب شناسی</p> <p style="text-align: center;">2</p>



<p>اصلاح ساختار اداری، سیستم اصلاح فرآیندها و روشهای انجام امور، سیستم مدیریت کیفیت، تکریم حقوق ارباب رجوع و اتوماسیون و فناوری اطلاعات توجه نمود.</p> <p style="text-align: right;">✓ بار مالیاتی</p> <p>یکی از اصول علمی که در سوددهی شرکتها مؤثر است، بار مالیاتی است. بار مالیاتی بالا سبب می شود هرچه سهم دارایی‌های ثابت و موجودی کالا در ساختار دارایی‌های شرکت بیشتر باشد، آنگاه شرکت، بار مالیاتی بیشتری در شرایط تورمی بر دوش می کشد. بنابراین وضعیت رکود تورمی در مالیات‌گیری در برنامه هفتم توسعه باید مدنظر قرار گیرد.</p>		
<p>مالیات یکی از ابزارهای مهم در رشد و توسعه اقتصادی است. در برنامه هفتم توسعه، اصل بر پوشش هزینه‌های جاری از طریق مالیات ستانی به هر نحوی است. با توجه به مفاهیم و تجربیات اقتصادی، مالیات باید به نحوی تنظیم گردد که تولیدکنندگان خودشان میل به پرداخت مالیات باشند. طبق نظر واگنر، افزایش درآمد تولیدکنندگان تمایل به افزایش خدمات عمومی را افزایش می‌دهد. بنابراین توصیه سیاستی در جهت تقویت برنامه هفتم توسعه آن است که عوامل موثر بر فرار مالیاتی شناسایی شده و فضای کسب و کار از حالت رانتهی و زیرزمینی به حالت اقتصاد رقابتی و شفاف تبدیل گردد. اگر فضای کسب و کار در کشور حالت رقابتی به خود بگیرد دولت می‌تواند بدون افزایش نرخ مالیات، از طریق گسترش پایه‌های مالیاتی، درآمد خود را افزایش دهد. شایان ذکر است استفاده از رایانه و سیستم‌های مکانیزه و همچنین کوتاه کردن مهلت‌های قانونی یا حذف بعضی از مراحل رسیدگی و تشخیص می‌تواند در پدیده فرار مالیاتی بسیار کارآمد باشد.</p> <p>وزارت اقتصاد و امور دارایی موظف است راه کارهای علمی و منطقی که منجر به کاهش پدیده فرار مالیاتی می‌شوند را شناسایی نموده و با همکاری قوه قضائیه و نیروی انتظامی فضای کسب و کار را از وضعیت زیر زمینی به اقتصاد رقابتی تبدیل نماید</p>	<p>ارائه ارهکار</p>	
<p>در بخش اصلاح نظام مالیاتی، به ماده ۲۷ اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>یکی از اصول مهم در اعمال مالیات، اثرگذاری آن بر متغیرهای کلان اقتصادی است. افزایش درآمدهای مالیاتی می‌تواند ضمن داشتن آثار مفید مانند افزایش تراز بودجه دولت در راستای تقویت زیرساخت های اقتصادی و رشد اقتصادی، آثار منفی مانند تورم نیز برجای بگذارد. مباحث اقتصادی نشان می‌دهند اگر وضعیت انحصاری در تولید کشور حاکم باشد، اعمال مالیات سبب انتقال مالیات به مصرف کننده شده و بر وضعیت تورمی کشور دامن می‌زند. با توجه به اینکه عرضه کل تولید در کشور ثابت است، افزایش نرخ مالیاتی هیچ ثمره‌ای به جز تورم اضافی بر کشور و اقتصاد ندارد.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	
<p>لازم است در برنامه هفتم توسعه بر این اصل توجه شود که وجود اقتصاد دولتی و حمایت بی‌رویه از صنایع دولتی منجر به ایجاد وضعیت انحصاری در کشور خواهد شد و در وضعیت انحصاری افزایش نرخ مالیات از درآمدهای تولیدکننده نخواهد بود؛ بلکه افزایش نرخ مالیاتی به راحتی توسط انحصارگر به مصرف کننده انتقال داده شده و تولید کننده انحصاری هیچ پرداختی مالیاتی نخواهد داشت و همین امر منجر به افزایش قیمت و تورم در کشور خواهد شد. بر این اساس لازم است دولت نقش و وظایف خود را صرفاً به بحث نظارت کاهش دهد و با مهیا ساختن فضای رقابتی کشور، به بخش خصوصی اجازه فعالیت بر مبنای رقابت داده و با اعمال نرخ مالیات بهینه، انگیزه و درآمدهای مالیاتی در کشور را فراهم آورد.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	<p>3</p>



<p>بر این اساس وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف است با استفاده از شاخص‌های علمی (شاخص لرنر نمونه بارز آن است) وضعیت انحصار در تولید کشور را ارزیابی نموده و با محاسبه بار مالیاتی، ضمن انحصار زدایی در اقتصاد، نرخ مالیات را به نحوی تنظیم نماید که منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نشود.</p>	
<p>در بخش اصلاح نظام مالیاتی و در ماده ۲۶ و در حوزه وظایف وزارت امور اقتصاد و دارایی قید گردد</p>	<p>ضمیمه</p>
<p>وضعیت کسری بودجه ایران به دلیل عدم پیش‌بینی صحیح درآمدها و هزینه‌های دولت محقق می‌گردد. دولت برای دستیابی به درآمدهای مالیاتی پایدار باید به انگیزه تولید کننده توجه داشته باشد. مالیات به جز آنکه منجر به فراهم شدن بودجه برای نظارت و توسعه اقتصادی می‌شود، از ابزارهای مهم در تقویت و تضعیف انگیزه مالیاتی نیز محسوب می‌شود. دولت در راستای تقویت انگیزه تولید کننده لازم است تا بسترهای لازم در جهت تقویت تشکیلات تولیدی تولیدکنندگان را فراهم آورد و از گرفتن مالیات بدون توجه به انگیزه مالیاتی خودداری نماید. در اقتصاد فعلی ایران هر قدر نرخ مالیاتی بیشتر اعمال گردد، صرفاً منجر به افزایش هزینه تولید کننده شده و بعد از مدتی به تعطیلی آن بنگاه منجر خواهد شد. از آنجایی که اقتصاد کشور با مشکل تقویت تکنولوژی و وارد نشدن تجهیزات سرمایه‌ای روبرو است، افزایش نرخ مالیات نمی‌تواند به تقویت تولید شود. دلیل این امر آن است که تولیدکننده با تولید بیشتر، صرفاً عمر تجهیزات خود را کاهش خواهد داد. این در حالی است که تولید کننده اگر مطمئن باشد که می‌تواند تجهیزات کارخانه‌ای را به موقع به‌روزرسانی کند، افزایش نرخ مالیات سبب خواهد شد تا با تولید بیشتر، مالیات پرداختی را پوشش دهد.</p>	<p>آسیب شناسی</p> <p>4</p>
<p>امنیت غذایی و ارتقای تولید محصولات کشاورزی</p>	
<p>یکی از وجوه امنیت ملی، امنیت غذایی کشور است. تا قبل از انقلاب صنعتی می‌توان گفت یکی از راه‌های غلبه بر دشمن، از بین بردن منابع غذایی آن بود. پس از انقلاب صنعتی پیشرفت‌های اولیه در جنگ افزارها، جدیداً غذا در سطح جهان به‌عنوان اهرم فشار نزد کشورهای سلطه‌جو شناخته می‌شود. براساس تعریف قدیمی سازمان ملل، امنیت غذایی آنگاه وجود دارد که همه مردم در تمامی ایام به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته و غذای در دسترس نیز نیازهای یک رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم آورد.</p> <p>از شاخص‌های متفاوتی برای ارزیابی امنیت غذایی بهره گرفته می‌شود. با استفاده از این شاخص‌ها می‌توان کم و کیف امنیت غذایی هر کشور را بدست آورد و از طرفی می‌توان سعی در افزایش ارتقای محصولات کشاورزی نمود. اصلی‌ترین شاخص‌ها را می‌توان در نسبت واردات به تقاضای کل و همچنین نسبت تولید داخلی بخش کشاورزی به تقاضای کل جامعه خلاصه کرد. البته قابل ذکر است که واردات در بخش کشاورزی شامل نهاده‌ها و همچنین محصولات و کالاهای آماده مصرف می‌باشد. نکته بسیار مهم که در طی تمامی برنامه‌های توسعه به آن اشاره شده است امنیت غذایی کشور است این در حالی است انتظار می‌رفت این تأکیدات ایراد شده در هر برنامه باعث گردد تا کشور ما که توانایی منحصر به فردی در کشاورزی دارد (با توجه به منطقه ژئوپولوتیکی خاص آن) در بحث امنیت غذایی، ضریب امنیت غذایی بالایی داشته باشد، در حالیکه آمارها از کاهش ضریب امنیت غذایی حکایت دارند.</p>	<p>آسیب شناسی</p> <p>1</p>



<p>فقدان جامع‌نگری نسبت به رفع موانع انگیزشی تولیدکنندگان و سیاست‌های نادرست تعرفه‌ای و همچنین برخورداری از درآمدهای هنگفت ارزی، زمینه افزایش واردات نهاده‌ها و محصولات و کالاهای کشاورزی را فراهم ساخته و منجر به کاهش ضریب خوداتکایی و امنیت غذایی در کشور گردیده است. در واقع یکی از مهم‌ترین نکاتی که در مورد کشاورزی صادق است، مزیت نسبی در تولید است. قانونی که متأسفانه در طی سالیان اخیر در کشور ما به هیچ عنوان رعایت نشده است که این خود به شدت به وضعیت کشاورزی ایران صدمه وارد کرده است. از مهم‌ترین دلایل این ناکامی در وضعیت کشور را به‌طور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد. درآمدهای هنگفت ارزی به سبب افزایش قابل توجه قیمت نفت طی دهه گذشته، زمینه‌های حمایت از تولیدات داخلی را کاهش داده و واردات محصولات کشاورزی را افزایش داده که بسترهای آسیب‌پذیری ملی در خصوص امنیت غذایی را افزایش بخشیده است. در نتیجه بهترین راهکار برای حل این مشکلات:</p> <p>-تجدید نظر در وضعیت سیاستهای قیمتگذاری</p> <p>-تجدیدنظر در وضعیت سیاستهای وارداتی</p> <p>1- تجدیدنظر در سیاست‌های قیمت گذاری محصولات کشاورزی که انگیزه کشاورزان و تولیدکنندگان را برای افزایش تولید مهیا خواهد ساخت. همچنین این اقدام همراه با رعایت منافع تولیدکنندگان و کشاورزان خواهد بود که موجب تغییر چهره مناطق روستایی گردیده و زمینه های ریشه کن شدن فقر در مناطق روستایی را فراهم می‌سازد. با افزایش درآمد تولیدکنندگان و روستائیان و همچنین با پوشش گسترده سیاست های بیمه محصولات، بیمه درمانی و سایر می‌توان چهره توسعه یافتگی را برای روستاهای کشور به ارمغان آورد</p> <p>2- تجدید نظر در سیاست‌های وارداتی و تعرفه‌ای به نحوی که محدودیت های صحیح و معقولی را برای واردات اعمال نماید تا بستر و زمینه برای افزایش تولیدات داخلی فراهم گردد. متأسفانه با عدم اجرای صحیح قانون هدفمندی یارانه ها از سوی دولت و سیاستهای نادرست تعرفه‌ای و وارداتی، به تولیدکنندگان بخش کشاورزی (زراعت، دام و طیور) فشار فراوانی وارد شده است. از این رو پیش بینی می‌شود مادامی که ارز حاصل از صادرات نفت همچنان روند مناسبی داشته و در امور زیر بنایی خرج نگردد، مشکلات بخش کشاورزی با واردات حل شده و بر این بخش مهم اقتصادی ضربه مهلکی وارد نماید.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش امنیت غذایی و به ماده ۳۳ الحاق گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>با توجه به اهمیت استمرار تولید پایدار در محصولات کشاورزی و تأمین بخش مهمی از مواد غذایی موردنیاز در داخل کشور و تقویت امنیت غذایی و با عنایت به اینکه نه تنها امکان تخصیص آب جدید به بخش کشاورزی وجود ندارد، بلکه این بخش ضمن استمرار وظایف ذاتی خود، باید با رویکرد جدید کاهش تقاضای آب (با بهره‌گیری از روش‌های متعدد به کارگیری تکنولوژی‌های ارگونومی و آبیاری) به وظایف خود ادامه دهد؛ لذا تکیه بر افزایش بهره‌وری آب در تولیدات کشاورزی ضروری به نظر می‌رسد.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>2</p>
<p>اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران بر مبنای مطالعات و بررسی‌های علمی و تجربیات جهانی که توسط مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب و با همکاری مشترک متخصصین و مسئولان دستگاه‌های اجرایی انجام داده است، «سند ملی ارتقای بهره‌وری آب کشاورزی» تدوین نموده است. به‌منظور هماهنگی در اجرای این سند، تفاهم نامه‌ای بین اتاق ایران و وزارت جهاد کشاورزی در سال 1398 به امضای رسید و در سال 1400 نیز با وزرای وقت جهاد کشاورزی و نیرو اصلاح و موردتفاهم</p>	<p>ارائه راهکار</p>	



<p>قرار گرفت. طی این مدت با انجام بررسی‌های تکمیلی، روش‌های پیشنهادی برای باز تخصیص آب و افزایش شاخص بهره‌وری آب کشاورزی در سند مذکور در بخش‌های زراعی، باغبانی، تولیدات دامی و آبزیان بازننگری و در افق ده‌ساله در سطح ملی برآورد گردیده است. به نظر می‌رسد، تنها راه ممکن برای رهایی از ورود به مرحله بحران کم‌آبی، اجرایی نمودن مفاد سند مذکور است. شایسته ذکر است که با اجرایی شدن برنامه باز تخصیص آب و ارتقای بهره‌وری آن در کشاورزی، ضمن دسترسی به یک تولید مبتنی بر اصول علوم و فنون کشاورزی، می‌توان کشور را از ورود به مرحله بحران کم‌آبی نجات داد و از منابع تولیدی، بهره‌وری حداکثری را داشت.</p>		
<p>در بخش امنیت غذایی و به ماده ۳۳ الحاق گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>عدم توجه به اقلیم هر منطقه و هماهنگ نبودن کشت محصولات با ظرفیت آبی و اقلیمی آن منطقه منجر این امر شده است که آب‌های زیرزمینی و سطحی کشاورزی با تهدیدات متعدد کم‌آبی که منجر به کاهش محصولات کشاورزی خواهد شد مواجه گردد. به‌عنوان مثال در منطقه کم‌آبی همچون دشت مغان، کاشت بی رویه هندوانه یا در حوزه دریچه ارومیه کاشت بی رویه چغندر قند، انواع باغات پرمصرف آب میوه، تأسیس کارخانه قند در مهاباد... منجر به این امر شده که با تخلیه آب‌های زیرزمینی و سطحی کشاورزی، امنیت غذایی کشور در آینده با چالش مواجه شود.</p>	<p>اسیب شناسی</p>	
<p>وزارت جهاد کشاورزی و وزارت علوم موظف‌اند با استفاده از پتانسیل نخبگان دانشگاهی تحقیقات لازم در مسئله اقلیم‌شناسی و کاشت محصولات مرتبط با این اقلیم در منطقه مناسب را در دستور کار قرار دهند. بعد از مشخص نمودن محصولات مرتبط با اقلیم‌های مناسب، وزارت جهاد کشاورزی باید بستر لازم برای شرکت‌های دانش بینان را فراهم آورد تا این شرکت‌ها با تولید ارقام گیاهی به روز و دستکاری شده از لحاظ ژنتیکی که بازدهی چند برابری اقتصادی نسبت به استفاده ارقام گیاهی بومی دارند، فرصت لازم برای ارتقا بخش کشاورزی در اثر گذاری بر اقتصاد و تأمین امنیت غذایی فراهم کند.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	<p>3</p>
<p>در بخش امنیت غذایی و به ماده ۳۳ الحاق گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>یکی از بحث‌ها و مشکلات مهم در بخش اقتصاد کشاورزی، بحث تراژدی منابع مشترک است. این موضوع اشاره دارد تولید کننده و افراد تنها با در نظر گرفتن آینده نزدیک، کالاها را به صورت بی‌رویه مصرف می‌کنند. در این رویکرد، تخصیصی انجام نشده و سطح بهینه اجتماعی برقرار نمی‌گردد. به عبارت بهتر تراژدی منابع مشترک یک مشکل اقتصادی است و به این دلیل به وجود می‌آید که هر فردی انگیزه دارد بدون توجه به دیگران و رفاه جامعه تا جایی که می‌تواند از منابع مشترک استفاده کند. این فعالیت باعث مصرف بیش از حد و در نهایت از بین رفتن منابع مشترک می‌شود.</p> <p>در بخش کشاورزی، زمین‌های کشاورزی به صورت سنتی مورد استفاده قرار گرفته و منابع آبی به طرق غیر متمرکز و گاهی غیر قانونی مورد بهره برداری قرار گیرد تحت این این سیستم تنها برای مدت کوتاه فقط کشاورزی نفع می‌برد و در افق بلند مدت و با بروز مشکلات اقلیمی، امنیت غذایی کشور با مشکل مواجه می‌گردد. همچنین استفاده از سم و کود بی رویه برای سود در مدت کوتاهی نتایج خسارت باری را برای آینده کشاورزی به وجود می‌آورد.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>4</p>
<p>سازمان جهاد کشاورزی و وزارت کشور مکلف اند با ایجاد بستر لازم و تهیه دستورالعمل و قوانین مرتبط، نسبت به ایجاد شهرک‌های متمرکز کشاورزی و استفاده از روش‌های نوین کشاورزی از قبیل گلخانه‌های با سطح زیر کشت بالا، نسبت به افزایش</p>	<p>ارائه راهکار</p>	



<p>تولیدات محصولات کشاورزی و تولید محصول هدفمند با مدیریت بهینه منابع آبی، خاک، نهاده‌های کشاورزی اقدام نمایند. در این راستا لازم است هر دو وزارت خانه به رفع موانع قانونی برای تسهیل در پرداخت تسهیلات، کمک به کاهش هزینه‌های تولید، کوتاه کردن فرایند صدور مجوزها، تأمین انرژی موردنیاز تا داخل شهرک‌ها توسط دستگاه‌های خدمات‌رسان، کمک به تأمین آب و تأمین منابع اعتباری برای توسعه گسترده شهرک‌ها اقدام نمایند.</p>		
<p>در بخش امنیت غذایی و به ماده ۳۳ الحاق گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>یکی از چالش‌های بزرگ کشاورزی در ایران که مانع تغییر روش کشاورزی و مدیریت صحیح آن برای رسیدن به استانداردهای کمی و کیفی جهانی می‌باشد، پراکندگی و کوچک بودن اراضی کشاورزی است. 86 درصد تولیدکنندگان بخش کشاورزی را در ایران خرده مالکان تشکیل می‌دهند و در مدت چهار سال گذشته، تعداد واحدهای تولیدی کشاورزی به بیش از دو برابر و اندازه زمین‌های آنها به یک سوم کاهش یافته است. کوچک شدن اراضی کشاورزی پیامد منفی اقتصادی و سیاسی زیادی به دنبال دارد که از جمله آنها نبود امکان مدیریت و برنامه ریزی درست برای کاهش مصرف آب و انرژی و استفاده بهینه از خاک، نیروی انسانی و ماشین‌آلات است که نهایتاً به افزایش هزینه تولید و جلوگیری از تولید محصول باکیفیت مطلوب و استاندارد می‌گردد. در این راستا مهم ترین عامل کوچک شدن زمین‌های کشاورزی در ایران، قوانین مربوط به ارث است و به همین دلیل، سالانه ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی کوچک و کوچک تر می‌شود. این مشکل باگذشت زمان و تغییر نسل روزه روزه، بر وضعیت کشاورزی ایران لطمه وارد کرده است. به عبارت بهتر، تقسیم زمین بین وراثت در طول زمان باعث کاهش سطح زیر کشت و گاهی تغییر کاربری غیراصولی و غیرقانونی از طرف وراثت شده است.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>5</p>
<p>قوه قضائیه، وزارت کشور و مجلس شورای اسلامی مکلف هستند با وضع قوانین مرتبط نسبت به جلوگیری از کوچک شدن زمین‌های کشاورزی و تغییر کاربری (حوزه ویلاسازی و خانه باغ) اقدام سریع و علمی را حاصل نمایند. همچنین وزارت جهاد کشاورزی مکلف است که با پیش بینی نیازهای کشور، برنامه تولیدی برای کشاورزان ارائه نماید تا وضعیت بی برنامه‌گی و کشاورزی دلبخواهی توسط کشاورزان در تولید محصولات کشاورزی کاهش یافته و به هدفمند کردن و ارتقا جایگاه بخش کشاورزی توجه شود.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش امنیت غذایی و به ماده ۳۴ الحاق گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>نظام مدیریت یکپارچه منابع آب</p>		
<p>مدیریت منابع آب به عنوان اصلی ترین راهکار ممکن برای رفع مشکلات ناشی از کاهش کمیت و افت کیفیت آب مطرح است. طبیعت پیچیده مسائل آب نیازمند روش های جدیدی است که دیدگاه های فنی، اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی را در یک قالب به هم پیوسته گردآوری می‌نماید. این همان مفهوم مدیریت یکپارچه منابع آب است که باید اصلی ترین روش برای دستیابی به منابع پایدار آب در سطح ملی و بین المللی باشد. مدیریت جامع باید نیاز تمامی بهره برداران آب را لحاظ نماید. تعدد دست اندرکاران نهادی و سازمانی، با سیاست ها، رویکردها، اولویت ها، ظرفیت ها و علایق متفاوت در حال تغییر نسبت به مقوله آب و فقدان یک نظام جامع برای شناسایی نقش و شناخت روابط ساختاری آن را در شبکه دست اندرکاران منابع آب، از مهم ترین چالش‌های بنیادین فراروی مدیریت منابع آب در کشور ایران می باشد که به لحاظ شرایط اقتصادی اجتماعی و بیولوژیکی</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>1</p>



<p>در مواجهه با محدودیت جدی منابع آب قرار دارد. تحقیقات مختلفی نشان می‌دهد که برای مدیریت منابع مشترک، از جمله منابع آب، اعمال سیستم مدیریت از بالا به پایین با قدرت متمرکز دولتی در این زمینه ناکارآمد بوده و نگرش تک بخشی به این موضوع چالش های فراوانی را به دنبال داشته است.</p> <p>از آنجا که روابط بین سازمانی در مدیریت منابع آب در کشور بر اصول و الگوهای پایدار و نظام یافته ای سوار نبوده و سرنوشت سند آمایش سرزمین به عنوان یک مرجع، اجرایی و الزام آور، برای در نظر گرفتن سهم هر بخش و نقش آفرینی و هماهنگی بخش های مختلف همچنان نامشخص می باشد. اساساً دستیابی مطلوب به همکاری و هماهنگی و هم افزایی بین دستگاه های مختلفی که هر کدام با مأموریت خاصی در یک بازه زمانی مشخص ایجاد شده اند و سپس با مدیریت بخشی نگر توسعه یافته و بر اساس اقتدار و موقعیت خود فرآیند مدیریت منابع آب را تحت تأثیر خود قرار می دهند، دشوار خواهد بود.</p>		
<p>با توجه به نکات یادشده، چنین می توان گفت یکی از علل عمده عدم تحقق سیاست های توسعه ای فقدان سازوکارهای لازم برای شناسایی تحلیل و نقش آفرینی دست اندرکاران متعددی است که می باید در یک فرآیند مشارکتی مبتنی بر پایداری و تاب آوری، برای مدیریت پایدار منابع آب همکاری هماهنگی و هم افزایی داشته باشند. تحلیل نقش و موقعیت هر یک از دست اندرکاران در شبکه مدیریت منابع آب یکی از مهمترین نیازهای طراحی نظام جامع مشارکتی مبتنی بر همکاری به شمار می رود. به این ترتیب سازمان متولی منابع آب خواهد توانست با بینش عمیق تری، سیاست های متقابل خود را با دست اندرکاران متعددی که در این شبکه قرار دارند، تعریف نموده و آنها را برای حرکت سیستمی به سوی همکاری هماهنگی و هم افزایی توانمند سازد. بهره گیری از الگوی تحلیل شبکه ای به عنوان ابزاری برای شناسایی و تحلیل کنشگران اثر گذار در یک فرآیند مبتنی بر همکاری طی سالهای اخیر مورد توجه محققین منابع طبیعی کشور قرار گرفته است. دست اندرکاران سازمانی، سازمانها تشکلهای، نهادها و گروه های انسجام یافته ای هستند که تحت تأثیر نتایج یک فرایند به عنوان مثال مدیریت منابع (منافع یا مضرات آن، مستقیم یا غیر مستقیم) و یا فرآیند را تحت تأثیر قرار می دهند. الگوی تحلیل شبکه ای اجتماعی توانسته است بینش های جدیدی را در مورد نقش تعاملات و همکاری میان کنشگران مختلف در مدیریت سیستم های شبکه اکولوژیک - انسانی را ارائه دهد.</p>	ارائه راهکار	
<p>در بخش نظام مدیریتی آب و به ماده ۳۸ الحاق گردد.</p>	ضمیمه	
<p>سیستم های آبی اهمیت حیاتی برای انسان دارد و فواید بسیاری را برای جامعه در قالب منابع و سرویس های آبی فراهم می کند. ایران به دلیل قرار گرفتن در منطقه خشک و نیمه خشک همواره با مشکل کمبود آب مواجه بوده است که در سال های اخیر، به دلیل رشد جمعیت، تغییر اقلیم، راندمان پایین کشاورزی، الگوی کشت نامناسب و شرایط اقتصادی و... این مسئله با چالش شدیدتری روبرو شده است. بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که ایران بیش از آنکه با مشکل کمبود آب مواجه باشد به دلیل حکمرانی بد، در شرایط بحرانی تأمین و تقاضای آب قرار گرفته است. به منظور یافتن راهکارها و حرکت به سوی حکمرانی خوب و جهت برون رفت از این بحران اقداماتی که می توان در این زمینه نام برد، به شرح زیر است:</p>	آسیب شناسی	2
<p>وزارت کشور و وزارت جهاد کشاورزی و وزارت امور خارجه موظفاند تا در برنامه هفتم توسعه موارد زیر را در نظر گرفته و با تدوین برنامه کارآمد، عملیاتی شدن این طرحها را در دستور کار قرار دهند:</p>	ارائه راهکار	



❖ نبود پایگاه اطلاعاتی منسجم در بخش های مرتبط با آب در کشور

لازمه هرگونه سیاست گذاری و تصمیم گیری در مورد منابع آب، تخصیص های مربوطه و ارتباط آن با بخش های اقتصادی، زیربنایی و تولیدی، حصول آمار و بیلان دقیق از وضعیت منابع آب است. برنامه ریزی و سیاست گذاری درباره جنبه های مختلف بخش آب در هر سطح، از سطوح اجرایی و مدیریتی گرفته تا سطح سیاست گذاری، نیازمند آمار و اطلاعات معتبر و قابل استناد در مورد منابع آب است؛ در غیر این صورت برنامه ریزی ها منطبق بر واقعیت نخواهد بود و به نتیجه نیز نمی رسد. الزام وجود آمار دقیق بیلان منابع و مصارف آب، در حال حاضر با توجه به وضعیت نامطلوب بخش آب کشور و وجود بحران در آن، بسیار ضروری و بااهمیت است. خلاهای موجود در این زمینه در کشور بسیار جدی و عمیق بوده و بیلان منابع و مصارف آب نامشخص و غیردقیق است. این امر در کشور به حدی چالشی است که نه تنها هیچ گونه آمار دقیقی از میزان آب تجدیدپذیر کشور تحت شرایط مختلف موجود نیست، بلکه برای مصارف بخش های مختلف (به خصوص کشاورزی) آمار و ارقام بسیار متفاوتی از سوی دستگاه های مختلف ارائه می شود. وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی مکلفاند در دو سال اول برنامه هفتم توسعه، آمار دقیق منابع و مصارف آب را تهیه نمایند.

❖ لزوم بازنگری در کارآیی سدهای ساخته شده و برنامه های در حال ساخت

با توجه به حساسیت موضوع و اهمیت مسئله آب در آینده ایران، لازم است صرفه جویی آب، اولویت بیشتری نسبت به میزان تولید و سودآوری اقتصاد در کوتاه مدت داشته باشد. در برنامه هفتم توسعه اشاره شده که ملاک ارزیابی اقتصادی پروژه ها با محوریت سودآوری است و مسائلی همچون ارزیابی زیست محیطی و رعایت اصول پایداری توسعه در این ارزیابی به چشم نمی خورد. به عبارت دیگر از دید این برنامه، صرف اقتصادی بودن یا نبودن یک پروژه در ارزیابی پروژه کفایت لازم را دارد و مسائل دیگری که حداقل در این بخش برنامه به دنبال بحران زدایی از آن هستند، فاقد اهمیت است. لازم است در برنامه هفتم توسعه سیاست گذاری بلندمدت و اهداف بلند مدت بیشتر مورد توجه قرار گیرد. پروژه های سود آور کوتاه مدت می تواند با هدر دادن منابع آبی و تخریب محیط زیست، نه تنها مشکلات بحران آب را دو چندان نماید بلکه بستر رشد اقتصادی و تولید در آینده را نیز دچار چالش نماید. در این راستا لازم است تا وزارت نیرو در پروژه های آبی خود، به ویژه سدسازی، تجدیدنظر کند و حتی در صورت امکان، پروژه هایی ایجاد شود که دارای تاثیرات مخرب بر محیط زیست و هدر رفت منابع آبی است جلوگیری نماید.

❖ استفاده از پس آب

مصارف کشاورزی به دلیل حجم زیاد مورد نیاز یکی از مصارف اصلی پساب ها و آب های برگشتی است. طبق برآوردها 70 درصد از موارد آب مصرفی در بخش صنعت و شرب قابل بازیابی و استفاده مجدد است. در شرایط بحرانی، مسئله آب بازیافتی به جبران بخشی از آب کشور، دستکم در کشاورزی، کمک شایانی خواهد کرد. با توجه به اهمیت موضوع لازم است کتابچه راهنمایی در سطح ملی برای آب بازیافتی اقدامات عملی صورت بگیرد. امروزه بسیاری از کشورها، با استفاده از تکنولوژی های پیشرفته و استاندارد، مسئله آب بازیافتی و استفاده از آن را پذیرفته اند.

❖ اصلاح الگوی کشاورزی



راندمان آبیاری بارانی تا ۷۰ درصد و آبیاری قطره‌ای تا ۹۵ درصد است؛ یعنی در سیستم آبیاری بارانی تا ۳۰ درصد و در سیستم آبیاری قطره‌ای تا ۵ درصد آب تلف می‌شود، در حالی که در آبیاری مزارع به روش سطحی حتی با انجام هزینه‌های گراف و تسطیح اراضی راندمان آبیاری از ۵۰ درصد تجاوز نمی‌کند. در وضعیت سنتی که اکثر اراضی کشور ما به همین ترتیب آبیاری می‌شوند، این میزان حتی کمتر از ۳۵ درصد می‌باشد. این بدین معنی است که اگر از روش‌های آبیاری بارانی و قطره‌ای استفاده نشود، ۶۵ درصد آب مزارع از بین می‌رود و با احتساب آب تلف شده در کانال‌های انتقال، میزان تلفات از میزان ۷۵ درصد نیز تجاوز می‌کند. لذا با استفاده از سیستم‌های آبیاری تحت فشار می‌توان از تلفات آب جلوگیری کرد تا به رشد اقتصادی و به دنبال آن به توسعه پایدار در همه زمینه‌ها دست یافت.

❖ مدیریت روان آب‌ها

یکی از راهکارهای بسیار مناسب و مقرون به صرفه مدیریت مصرف آب، جمع‌آوری آب باران و روان آب‌های سطحی و ذخیره آن است. اگر روان آب‌ها به جای اینکه در زمره فاضلاب قرار گیرد، منبع آب در نظر گرفته شود، می‌تواند منشأ فواید بسیاری گردد. در این راستا لازم است تمهیداتی در برنامه هفتم توسعه صورت گیرد تا آب به کمک روش‌های ذخیره باران جمع‌آوری، هدایت، ذخیره و مورد استفاده قرار گیرد.

❖ کشت برون مرزی

یکی از اقدامات دولت جهت مقابله با خشکسالی و حکمرانی خوب آب، کشت‌های برون مرزی است. ایران می‌تواند از طریق برقراری دیپلماسی قوی با کشورهایی که پتانسیل کشت محصولات مورد نیاز ایران، به ویژه محصولات استراتژیکی مانند گندم را دارند، تجهیزات لازم داده شود و آن کشورها هم از مزایای کشت برون مرزی بهره مند شوند. همچنین با توجه به پایین بودن بهره‌وری آب کشاورزی در ایران، مصرف آب مجازی در این بخش، بسیار بالا است، بنابراین، بهترین راهکار به جز کشت برون مرزی در شرایط موجود، توسعه هرچه بیشتر آب مجازی است. در واقع کشورهای کم آب همچون ایران می‌توانند با تجارت آب مجازی و واردات محصولات آب بر، مقدار آب مورد نیاز برای تولید آنها را ذخیره کنند. بیشترین حجم تجارت آب مجازی مربوط به محصولات کشاورزی است و در بین آنها، گندم بالاترین میزان را دارد.

در بخش نظام مدیریت آب و به ماده ۳۸ اضافه گردد

ضمیمه

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر تقاضای آب، قیمت آن است. به‌طور نسبی قیمت آب در مقایسه با سایر فاکتورهایی که اشاره گردیده اهمیت کمتری در تقاضای آب دارد؛ ولی با این وجود قیمت بهینه‌ی آن می‌تواند در کاهش تقاضا و مصرف بهینه آب بسیار موثر باشد. در ایران، مشترکان سه برابر کمتر از قیمت تمام شده آب، هزینه پرداخت می‌کنند. بر اساس آمار و ارقام، قیمت آب مصرفی در ایران در پایین‌ترین سطح خودش در بین اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی مثل نروژ، فرانسه، آلمان، انگلیس و همسایه‌های ایران قرار دارد و این کشورها، چندین برابر مشترکان ایرانی بابت آب مصرفی هزینه پرداخت می‌کنند. در حوزه کشاورزی نیز به جهت رایگان بودن آب، کشاورز هر نوع محصولی را کشت می‌کند. نمونه‌های متعدد تل انبار شدن محصولات کشاورزی در حاشیه جاده‌ها و مزارع کشاورزی که به جهت کشت محصولات با توجه به آب رایگان و بدون در نظر گرفتن بازار مصرف است، از مشکلات عدیده در حوزه آب و کشاورزی شده است.

آسیب شناسی



<p>به کارگیری روش‌های صحیح قیمت‌گذاری آب باعث می‌شود که آب بین متقاضیان متناسب با فایده یا ارزش تولید نهایی توزیع شده و انگیزه لازم برای مصرف‌کنندگان جهت صرفه‌جویی در مصرف آب و جلوگیری از اسراف یا اتلاف آن ایجاد شود. ارزان و رایگان بودن آب ممکن است باعث زیاده‌روی در مصرف آب شده و انگیزه را برای حفاظت و استفاده اقتصادی آن تضعیف کند و این امر سایر کشاورزان و مصرف‌کنندگان را نیز از مصرف محروم می‌نماید. از سوی دیگر، اگر قیمت آب بیش از تولید نهایی آن باشد، کشاورزان اقدام به استفاده از آن نخواهند کرد و چنین قیمتی برای آب مغایر باهدف رشد کشاورزی و افزایش درآمد کشاورزان است. به همین جهت اگر قیمت آب به روش مناسب و دقیق تعیین گردد هم مانع هدر رفتن و اتلاف آن خواهد شد و هم باعث افزایش درآمد کشاورزان می‌گردد. پیشنهاد می‌گردد وزارت کشاورزی و وزارت نیرو برای قیمت‌گذاری آب از روش‌های مطلوب و علمی استفاده نمایند و سازوکار نحوه تعیین قیمت مطلوب در برنامه هفتم توسعه اشاره گردد.</p> <p>*** برای آن که ارزش آب در تولیدات کشاورزی معلوم باشد وزارت نیرو باید برای هر بهره‌بردار کشاورزی صورتحساب صادر کند و همه آن را به عنوان یارانه محسوب کند تا بهره‌برداران هزینه‌های آب را هم در تولیداتشان به حساب بیاورند.</p>	<p>ارائه راهکار</p>
<p>در بخش مدیریت مصرف و بهره‌وری آب و به ماده ۳۹ الحاقی گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>
<p>انرژی</p>	
<p>به رغم توجه به یکپارچگی سیاست‌گذاری در حوزه انرژی از طریق شورای عالی انرژی و نیز فراهم آمدن لایحه تنظیم‌گری از طریق فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، هنوز بخش انرژی در این مسیر با چالش‌های متعددی مواجه است و ضرورت دارد چالش‌های مذکور مرتفع شوند.</p> <p>شورای عالی انرژی در حال حاضر با چالش‌هایی از قبیل ۱-عدم توجه به روند تدریجی شکل‌گیری نهاد تنظیم‌گر در ایران، ۲- نبود مکانیزم مناسبی برای انتقال مسئولیت‌های حوزه تنظیم‌گری از وزارتخانه به این نهادها، ۳- ایجاد نهادهای تنظیم‌گر حوزه انرژی بدون تغییر ماهوی در قوانین اصلی، ۴-عدم توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های بخش انرژی در تدوین اساسنامه نهاد تنظیم‌گر، ۵-عدم تفکیک امور حاکمیتی و تنظیم‌گری از امور تصدی‌گری، ۶-بی‌توجهی نسبت به تنظیم‌گری در فرایند تجدید ساختار و ۷-درک متفاوت متولیان امور انرژی در کشور نسبت به مقوله تنظیم‌گری مواجه است</p> <p>از طرفی انرژی به عنوان نهاد تولید نقش انکارناپذیری در رشد و رفاه اقتصادی کشورها دارد. کشور ما با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز، از مزیت قابل توجهی برای رشد و پیشرفت اقتصادی برخوردار است. اما به دلیل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نادرست در حوزه انرژی نه تنها از این مزیت برای رشد پایدار اقتصادی و مقاوم شدن اقتصاد استفاده نشده، بلکه موجب شده است که کشور ما در این حوزه با آسیب‌ها و چالش‌های فراوانی مواجه باشد. این چالش‌ها موجب شده‌اند که اقتصاد ایران در حوزه انرژی بسیار آسیب‌پذیر باشد.</p> <p>در بند ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر کاهش آسیب‌پذیری و افزایش قدرت مقاومت اقتصاد کشور تاکید شده است.</p>	<p>آسیب شناسی</p> <p>1</p>



<p>در بخش عرضه انرژی کمبود شدید منابع مالی برای توسعه طرح‌های بخش انرژی، محدودیت در دسترسی به منابع مالی بین المللی و حضور کم‌رنگ بخش غیردولتی در سرمایه‌گذاری‌های بخش انرژی موجب پایین بودن تشکیل سرمایه در این بخش شده است. نداشتن تنوع کافی و اندک بودن سهم انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر در سبد انرژی کشور از دیگر چالش‌های کشور در حوزه عرضه انرژی است. در عرصه تجارت انرژی نیز ایران با وجود داشتن رتبه اول مجموع ذخایر نفت و گاز جهان، سهم پایینی از تجارت جهانی انرژی دارد. براساس آمار آژانس بین المللی انرژی سهم ایران از صادرات گاز طبیعی در دنیا تنها حدود یک درصد است. از طرفی تسلط همگانی دولت بر بخش انرژی یک ناهماهنگی گسترده بین بخشی را ایجاد نموده است. تا جایی که دولت گاهی توانایی اداره کامل وضعیت انرژی و به ثبات رساندن آن را ندارد. از نکات دیگر برای کشور ما اهمیت انرژی در ثبات سیاسی کشور است. این در حالی است که می‌باید بخش سیاسی اقتصادی کشور از بخش انرژی جدا می‌بود.</p>	
<p>برای سیاست‌گذاری در زمینه انرژی که مستلزم تغییر الگوی تولید و مصرف آن است باید ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن کشور نیز مورد مطالعه قرار گیرد.</p> <p>هرگونه تقاضا برای کالاهای انرژی بر به نحوی تقاضا برای انرژی محسوب می‌شود و این امر باید در سیاست‌گذاری‌های انرژی توجه گردد. زیرا تقاضا برای کالاهای انرژی بر بالطبع افزایش تقاضا برای انرژی را نیز به همراه خواهد آورد. عنوان مثال افزایش سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان، صنعت، خدمات یعنی افزایش تقاضا برای انرژی که این خود نیازمند هماهنگی عرضه و تولید انرژی با آن است که این موضوع باید در برنامه ریزی‌های توسعه مورد توجه قرار گیرد. بدان معنی که در کشور هر گونه رشدی مد نظر قرار گیرد باید بخش انرژی را توسعه و گسترش داد. با نگاهی به برنامه‌های توسعه پس از انقلاب کاملاً مشخص است که کمتر به این نکته توجه شده است به عنوان مثال از یک سو تبصره‌هایی برای بهینه‌سازی تولید و مصرف انرژی تصویب می‌گردد و از سوی دیگر سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در بخش ساختمان و بخش عمومی با همان الگوی مصرف گذشته صورت می‌پذیرد که باعث تداوم روند غیر بهینه در بخش سوخت در کشور خواهد شد.</p> <p>بنابراین صورت گرفتن اصلاحات زیر برای کاهش آسیب‌های نظام سیاست‌گذاری و برنامه ریزی انرژی در کشور جهت مقاوم‌تر شدن بخش انرژی ضروری است:</p> <ul style="list-style-type: none">✓ سیاست‌گذاری و برنامه ریزی انرژی بر مبنای یک استراتژی مشخص✓ سیاست‌گذاری و برنامه ریزی یکپارچه در بخش انرژی✓ تشکیل پایگاه جامع آماری انرژی✓ اولویت بندی اهداف در فرآیند برنامه ریزی انرژی و تعیین اهداف به صورت یکپارچه✓ توجه به برنامه ریزی عملیاتی در فرآیند برنامه ریزی✓ تصمیم‌گیری در مورد پروژه‌های حوزه انرژی براساس منطق اقتصادی✓ حضور نهادهای تخصصی حوزه انرژی برای ارزیابی و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها✓ اصلاح برنامه ریزی انرژی در برنامه‌های توسعه و نظام بودجه ریزی✓ استفاده از تجربه کشورهای موفق	<p>ارائه راهکار</p>



<p>✓ اتخاذ سیاست های راهبردی به صورت منسجم و بلندمدت</p>		
<p>در بخش نظام راهبری انرژی و به ماده ۴۳ اضافه گردد</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>یکی از اولویت‌های مهم کشورهای جهان حرکت به سمت کاهش آلودگی با استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر است. امروزه بیشتر تکنولوژی‌های انرژی در جهت حفظ محیط زیست به این سمت، سوق داده شده است. طبق هدف‌گذاری انجام گرفته برای دهه‌های آتی صفر کردن تولید کربن در جهان و ایجاد روند معکوس برای گرفتن کربن از هوا است. بنابراین آینده اقتصاد برای کشورهایی است که بتوانند شرایط لازم برای استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر داشته باشند بسیار مهم خواهد بود. کشور ایران به دلیل وسعت جغرافیایی بی نظیری و بهره مندی از شرایط آب و هوایی، مستعد تولید و صادرات انرژی‌های تجدید پذیر است. وجود پتانسیل در راستای تولید انرژی از منابع خورشیدی، تولید انرژی از توربین‌های بادی، وجود سرمایه انسانی و دانش داخلی در راستای توسعه این رویکرد از اهم این موارد به شمار می‌روند. اگر بستر لازم برای توسعه انرژی های تجدیدپذیر در کشور فراهم گردد می‌توان با ایجاد ثبات اقتصادی و سیاسی، کشور را در کانون سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان خارجی قرار داد. با این وجود مشکلات بسیاری وجود دارد که مانع بسیار جدی در راستای تحقق این هدف است و در برنامه هفتم توسعه نیز به این موارد پرداخته نشده است. در این راستا لازم است موانع توسعه انرژی های تجدیدپذیر شناسایی شده و برنامه ریزی مدونی در این خصوص انجام شود.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	
<p>وزارت علوم و وزارت نیرو موظف اند در طول برنامه هفتم توسعه موانع زیر را که در تحقق این هدف دخیل هستند، رفع نمایند:</p> <ul style="list-style-type: none"> ✓ لزوم تغییر دیدگاه سیاستگذاران سیاسی و اقتصادی کشور به استفاده از منابع انرژی تجدید پذیر ✓ جذب و توسعه دانش فناوری‌های نوین تولید و تجهیزات لازم جهت ساخت انرژی تجدیدپذیر توسط مراکز تحقیقاتی و پژوهشی کشور و شرکتهای دانش بنیان و فناور داخلی ✓ تعریف قوانین و لزوم تقویت مقررات حمایتی در جهت توسعه انرژیهای تجدیدپذیر و تولید داخل ✓ تدوین قوانین حمایتی مناسب برای تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری در انرژیهای تجدیدپذیر ✓ ایجاد بازار و بورس انرژی جهت خرید برق انرژی‌های تجدیدپذیر ✓ لزوم حمایت اولیه و فراهم نمودن بستر لازم در راستای توسعه همکاری‌های بین‌المللی و روابط خارجی جهت جلب سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری به کشور و همکاری‌های بین‌الملل جهت ارتقاء آموزش‌های مرتبط با دانش سیستم‌های فتوولتاییک و توربین‌های بادی ✓ اهمیت بالای توجه به بهره برداری از معادن سیلیس کشور (با توجه به وجود معادن غنی سیلیس کشور به عنوان ماده اولیه ساخت سل‌های خورشیدی) جهت ایجاد مزیت نسبی در تامین و ساخت سل‌های خورشیدی 	<p>ارائه راهکار</p>	<p>2</p>
<p>در بخش مصرف انرژی و با ماده 46 اضافه گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>یکی از مهمترین معضلات اقتصادی ایران پرداخت یارانه و افزایش قیمت حامل‌های انرژی است. با توجه به وضعیت تحریم ایران پرداخت یارانه و عدم اصلاح قیمت انرژی منجر به فشار هزینه‌ای سنگین بر بودجه دولت می‌شود. وجود ناترازی در بودجه، دولت</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>3</p>



را ملزم می‌نماید که هر چند سال یکبار، اصلاح قیمت‌های انرژی را در دستور کار قرار دهد. عدم اصلاح قیمت حامل‌های انرژی ضمن آثار سوئی که در ناترازی بودجه و افزایش هزینه‌های دولتی دارد، منجر به عدم صرفه جویی در انرژی می‌شود. افزایش قیمت حامل‌های انرژی و یکسان سازی با قیمت جهانی می‌تواند مصارف غیرضروری در کوتاه را مدت حذف کرده و در بلندمدت بخش‌های تولیدی به بهبود تکنولوژی استفاده از انرژی اقدام نموده و خانوارها نیز الگوی مصرف انرژی خود را بهبود بخشند. سیستم‌های تولید و توزیع انرژی از پیچیده‌ترین و بزرگترین سیستم‌های توسعه داده شده توسط انسان هستند. بزرگی و پیچیدگی‌های این سیستم و سخت بودن مدیریت آن این نیاز را ایجاد کند که این سیستم به سمت خصوصی‌سازی برود. اما هزینه‌های بسیار بالای سرمایه‌گذاری در سیستم‌های انرژی یک انحصار طبیعی در این سیستم‌ها ایجاد کرده است که ایجاد یک فضای رقابتی را در سیستم‌های انرژی دشوار کرده است. خصوصی‌سازی سیستم‌های انرژی در اواخر قرن بیستم از صنعت برق کلید خورد. قبل از خصوصی‌سازی مدیریت صنعت برق یک مدیریت از بالا به پایین بود که به صورت یکپارچه به دست دولت انجام می‌شد. در مرحله اول خصوصی‌سازی صنعت برق ابتدا به صورت طولی تفکیک شد. در این تفکیک که به تفکیک طولی معروف است. صنعت یکپارچه برق به سه بخش تولید توزیع و انتقال تقسیم شد. بعد از تقسیم طولی صنعت برق به سمت تقسیم عرضی رفت. در تفکیک عرضی که در ابتدا از بخش تولید شروع شد دولت نیروگاه‌های خود را به بخش‌های خصوصی واگذار کرد و فرصت سرمایه‌گذاری در ساخت نیروگاه برای بخش خصوصی فراهم شد. در ادامه تفکیک عرضی شرکت‌های سیم‌دار برای خدمات شبکه و شرکت‌های خرده فروش برای فروش برق ایجاد شدند. با توجه به انحصار ذاتی صنعت برق نهاد مستقل بهره‌برداری شبکه به منظور هدفمند کردن این سیاست‌ها ایجاد شد. موج خصوصی‌سازی صنعت برق در دنیا، در ابتدای سال 1380 به ایران نیز رسید و بر اساس برنامه‌های توسعه‌ای وزارت نیرو ملزم به خصوصی‌سازی صنعت برق در ایران شد. اما با توجه به ساختار صنعت برق ایران این خصوصی‌سازی با چالش‌های زیادی مواجه است. به طوری که بعد از گذشت 22 سال از این خصوصی‌سازی هنوز این کار به طور کامل انجام نشده است

چالش‌های مهم خصوصی‌سازی شامل عدم واقعی بودن قیمت انرژی و نبود بخش خصوصی قوی برای اداره و به سود رسانی صنعت برق می‌باشد. اصلی‌ترین محرک در بازارهای آزاد برای رقابت، قیمت محصولات می‌باشد که با توجه به عرضه و تقاضا معین می‌شود. یارانه‌های بی‌هدف در بخش انرژی باعث توزیع ناعادلانه ثروت و عدم شفافیت قیمت‌گذاری برق شده است. این یارانه‌های بی‌هدف باعث عدم احساس ارزش کالای برق و انرژی شده است و باعث شده که هر کسی به هر نحوی بتواند بیشتر انرژی مصرف کند بیشتر نفع کند و بیشتر از یارانه بخش انرژی بهره‌بردار. چنین هدف‌گیری ذی‌نفعان در سیستم‌های انرژی در مجموع باعث از بین رفتن و کاهش رفاه اجتماعی می‌شود. عدم وجود مکانیزم قیمت‌گذاری شفاف و پویا و یارانه‌های بی‌هدف انرژی باعث زیان ده شدن توزیع انرژی و افزایش تلفات در شبکه‌ها شده است. این امر و نبود بخش خصوصی قدرتمند باعث شده است که فرایند خصوصی‌سازی در کشور به صورت صحیح با نتایج ملموس انجام نشود.

وزارت نیرو و سازمان برنامه و بودجه در سال اول برنامه توسعه موظف هستند با بررسی کارشناسی مکانیسم قیمت‌گذاری شفاف و بهینه در حوزه انرژی را دنبال نموده و با تدوین برنامه‌ها و طرح‌های لازم، ورود بخش خصوصی به این حوزه را طی برنامه هفتم توسعه بستر سازی نمایند.

ارائه
راهکار



ضمیمه	در بخش مصرف انرژی و با ماده 46 اضافه گردد.
ردیف	بخش مسکن
آسیب شناسی	<p>یکی از بخش‌های اصلی کشور ایران که نقش بسیار به سزایی در به وجود آمدن <u>سیکل</u> های تجاری و بروز و مهار تورم دارد، بخش مسکن است. به عبارت بهتر اقتصاد ایران از بخش‌های مختلفی مانند کشاورزی، صنعت و معدن، خدمات و نفت تشکیل یافته و سرمایه‌گذاری در هر کدام منجر به تقویت رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود. بر این اساس اگر سرمایه‌گذاری در کشور بیش از حد متوجه صنعت ساختمان شود، می‌تواند با کاهش سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها منجر به رکود اقتصادی گردد (رکود سال ۲۰۰۸ مصداق بارز آن است). از سوی دیگر با توجه به هزینه‌بالای مسکن در سبد خانوار، سرمایه‌گذاری و تولید در بخش مسکن صورت نگیرد می‌تواند با جذب نشدن نقدینگی در این بخش تورم را به شدت تحت تاثیر قرار دهد (سرمایه‌گذاری برای تولید مسکن با سرمایه‌گذاری در جهت سفته بازی بازار مسکن به عنوان کالای سرمایه‌گذاری کاملاً متفاوت است و در این جا منظور سرمایه‌گذاری در جهت تولید مسکن است) بنابراین <u>سرمایه‌گذاری</u> در بخش مسکن و ترسیم الزامات رونق مسکن باید به نحوی باشد که اهداف اصلی برنامه هفتم توسعه که رشد ۸ درصدی تولید ناخالص داخلی و کاهش محسوس تورم است را دچار انحراف نکند. در لایحه برنامه هفتم توسعه، به جهش مسکن اشاره شده است و این در حالی است که اگر منظور برنامه همان شعار ساخت چهارمیلیون مسکن در طی چهار سال باشد می‌تواند تبعات و هزینه‌های بسیار سنگین برای اقتصاد کشور داشته باشد.</p>
راه کار	<p>لازم است در برنامه هفتم توسعه و در چهارچوب رشد اقتصادی تعیین شده و هدف گذاری تورم برحسب هر سال، حدود سرمایه گذاری در بخش مسکن مشخص گردد. به عبارت بهتر در برنامه هفتم توسعه اصل بر تعیین بهینه میزان سرمایه گذاری در جهت تولید باید باشد. بر این اساس توصیه بر آن است از جدول داده و ستانده توازن و تعادل لازم برای توسعه بین بخش‌های مختلف اقتصادی تعیین و سهم بخش مسکن مشخص گردد و در این راستا به رونق بخش مسکن توجه گردد</p> <p>*شایان ذکر است مخارج سالانه تامین مسکن برای کشورهای در حال توسعه رقمی بین 7 الی 18 درصد تولید ناخالص داخلی پیش بینی می‌شود.</p>
ضمیمه	در بخش توسعه مسکن، اهداف کمی سنج‌های عملکردی ماده ۴۹ بر اساس میزان سرمایه‌گذاری بهینه تنظیم گردیده و اصلاح شود
آسیب شناسی	<p>مسکن به دلیل کالای بادوام بودن به یک کالای سرمایه‌ای تبدیل شده است. از آنجایی که اقتصاد ایران به دلیل تحریم‌های اقتصادی با مشکل عرضه تولید مواجه است، تقویت بخش تقاضای کل منجر به ایجاد تورم در کشور شده است. با توجه به ویژگی سرمایه‌ای بودن بخش مسکن و اعمال سیاست پولی انبساطی در اقتصاد ایران، تقاضای به شدت بالایی برای سفته بازی بخش مسکن به وجود آمده است. از سوی دیگر این بخش از تقاضا از طرف عموم مردم صورت نگرفته است، بلکه سفته بازان و علی‌الخصوص بانک‌های کشور با تبدیل سپرده‌های مردم به مسکن منجر به تورم شدید در این بخش شده‌اند.</p>
ارائه راهکار	<p>با توجه به اینکه تولید کشور نیازمند تامین نقدینگی است، در برنامه هفتم توسعه باید اشاره گردد که سرمایه‌گذاری بانک و سازمان‌های دیگر در فعالیتهای سفته‌بازی مطلقاً ممنوع است و لازم است تمامی سازمان‌ها در حوزه‌های تخصصی خود فعالیت</p>



توصیه‌های سیاستی الحاقی به لایحه برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

<p>نمایند. در این راستا توصیه بر آن است که وزارت راه و شهرسازی یا همکاری وزارت کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، فعالیت‌های سفته بازی بخش بانکی در حوزه مسکن را رصد نموده و از آن جلوگیری به عمل آورند.</p>		
<p>در بخش ارتقاء بهره وری و به ماده ۵۵ الحاق گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>فقدان منابع مالی و اعتباری جهت تخصیص به بخش مسکن یکی از مشکلات عمده کشورها در حال توسعه است. نوع و طبیعت فعالیت خانه سازی نیز به گونه ای است توسعه آن بیشتر از هر بخش دیگر نیاز به تداوم و استمرار و بازار مطمئن و متکی به اعتبارات دراز مدت دارد. ایجاد نظام مطمئن، ساده و دراز مدت اعتباری، علاوه بر تأمین اعتبارات لازم به خودی خود موجب ایجاد، تداوم و استمرار در فعالیت‌های این بخش شده و می‌تواند موجبات قوام و توسعه این بخش را فراهم نماید. بدیهی است که تأمین اعتبارات لازم برای خریداران یا سازندگان واحدهای مسکونی که در اغلب کشورها به صورت وام‌های بلند مدت است، مستلزم تجهیز منابع اعتباری بلند مدت یا ایجاد بازار سرمایه در سیستم پولی و اعتباری در سطح اقتصاد ملی است.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	
<p>وزارت راه و شهرسازی با همکاری سازمان بورس اوراق بهادار و بانک مرکزی موظفانند: به نحوی برنامه ریزی نماید که در طول سالهای اجرای برنامه هفتم بخشی از منابع مالی مورد نیاز توسعه مسکن از طریق ابزارهای نوین مالی و از طریق بازار سرمایه تأمین گردد</p> <p>انتشار و فروش اوراق قرضه مشارکتی قابل تبدیل به زمین، یا امکان خرید زمین و واحد مسکونی به قیمت از پیش تعیین شده ایجاد موسسات اعتباری خاص در امر مسکن، این موسسات قادر خواهند بود پول اضافی تقاضا شده را جذب نموده و به اصطلاح با احتکارزدایی پول، سرمایه‌گذاری در بخش مسکن را تشویق نمایند.</p> <p>صدور و فروش اوراق قرضه مخصوص مسکن و استفاده از درآمد حاصله برای پرداخت وام‌های مسکن</p>	<p>آرائه راهکار</p>	<p>3</p>
<p>در بخش تأمین مالی و به ماده ۵۴ اضافه گردد</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>شواهد برای اقتصاد ایران حاکی از آن است که با افزایش عرضه مسکن امکان کاهش و ثبات قیمت مسکن وجود ندارد و عوامل دیگری سبب می‌گردند که بخش مسکن گران شود. به عبارت دیگر هماهنگی مالکین عوامل تولید در قیمت گذاری، مقررات دولتی در بازار مسکن، وجود بازارهای رقیب برای مسکن شهری، نحوه انجام معاملات مسکن که به طور عمده توسط واسطه‌ها انجام می‌شود، سبب می‌گردد تا قیمت مسکن بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین نگردد.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>4</p>
<p>وزارت راه و شهرسازی به همراه وزارت اقتصاد و دارایی مکلفانند که مطالعاتی در مورد اجزای مختلف بازار مسکن، مثل بخش عوامل تولید، سازندگان مسکن، واسطه‌ها و خریداران انجام دهد و با مشخص کردن عواملی که سبب انحصار در بخش‌های مختلف و حبایی شدن قیمت مسکن می‌گردند برخورد کرده و با قیمت گذاری و اعمال مالیات، قیمت نهایی مسکن را کنترل نمایند.</p>	<p>آرائه راهکار</p>	
<p>در بخش ارتقاء بهره وری و به ماده ۵۵ الحاق گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>تأمین اجتماعی و توزیع درآمد</p>		
<p>سازمان تأمین اجتماعی بر اصل سه‌جانبه‌گرایی کارگر، کارفرما و دولت اتکا دارد و این سازمان رکن نظام تأمین اجتماعی در ایران محسوب می‌شود. این سازمان حدود ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را تحت پوشش خود دارد و با قشر بزرگی از مردم ایران در ارتباط مستقیم است. با توجه به اثرپذیری کارگر، کارفرما و دولت از چالش‌های این سازمان، لازم است توازن تصمیم‌گیری در</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>1</p>



<p>این سازمان رعایت گردد. بر اساس اساسنامه این سازمان، هیئت امنای عضو دولتی، دو عضو کارگری و یک عضو کارفرمایی تشکیل یافته است. این بند نشان می‌دهد که عضو کارگری و کارفرمایی در تصمیم‌گیری این سازمان ندارند و دولت در این سازمان نقش غالب را دارد.</p>		
<p>در اساسنامه مصوب سال 1383، شورای عالی تامین اجتماعی از 8 عضو دولتی، 4 عضو کارفرمایی و 3 نفر از نمایندگان بیمه‌شدگان تشکیل می‌شد که اعضای هیئت‌مدیره را انتخاب می‌کردند. براین اساس لازم است اساسنامه این سازمان مورد بازنگری قرار گرفته مفاد اساسنامه سال 1383 اجرا گردد.</p>	<p>ارائه راهکار</p>	
<p>در بخش تأمین اجتماعی و به ماده 31 الحاق گردد.</p>	<p>ضمیمه</p>	
<p>مطالعات اقتصادی نشان می‌دهند که سازمان تامین اجتماعی در سه حوزه با چالش مواجه است: این چالش‌ها عبارتند از 1) مقوله شرایط اقتصادی و اجتماعی، 2) مقوله شرایط زمین‌های و 3) مقوله شرایط مداخله‌گر بر این اساس، وجود بازارکار غیر رسمی و موقتی، هزینه‌های درمان و طرح تحول سلامت و بار مالی ناشی از آن، عدم ثبات و رکود اقتصادی، تورم اقتصادی، پیری جمعیت، بیکاری گسترده در مقوله شرایط اقتصادی و اجتماعی - تصویب مقررات و قوانین خارج از ضوابط علم اکچوئری¹ و قواعد نظام‌های بیمه‌ای، عدم پرداخت به موقع مطالبات سازمان توسط دولت، پیشی گرفتن رشد مصارف نسبت به منابع درآمدی، افزایش بدهی انباشته دولت به صندوق، واگذاری شرکت‌های زیانده و کم بازده به سازمان، همسان سازی مستمری‌ها در حوزه شرایط زمین‌های - ضعف در ساختار برنامه ریزی و بودجه ریزی، ضعف در مدیریت، ذخایر و سرمایه گذاری‌های سازمان، بنگاه داری سازمان تامین اجتماعی، ضعف مدیریتی در جهت شناسایی و استفاده از نیروی انسانی متخصص در حوزه شرایط مداخله‌گر، مسائل مهمی هستند که منجر به ایجاد چالش اساسی در حوزه سازمان تامین اجتماعی شده‌اند.</p>		<p>2</p>
<p>با توجه به چالش‌های بیان شده در این حوزه لازم است در برنامه هفتم توسعه این راه‌کارها مورد توجه قرار گیرد:</p> <ul style="list-style-type: none"> ✓ مدیریت بهینه منابع و مصارف و تقویت برنامه ریزی ✓ حفظ استقلال اداری و مالی سازمان و پرهیز دولت و سایر نهادهای حاکمیتی از مداخلات در امور مدیریتی ✓ مدیریت علمی و بازنگری و اصلاح در فرآیندهای کاری ✓ پرداخت بدهی‌های دولت ✓ گسترش درمان غیر مستقیم به جای درمان مستقیم ✓ کمک به اشتغال و ثبات اقتصاد و تمرکز بر سایر روش‌های درآمدزایی به جای افزایش بی رویه حق بیمه‌ها ✓ توجه جدی به محاسبات بیمه‌ای با استفاده از علم اکچوئری ✓ فعال تر شدن تیم پارلمانی و حقوقی در جهت تعامل با مجلس و نهاد‌های سیاستگذار ✓ اصلاحات پارامتریک شامل افزایش سن بازنشستگی، و تعیین نرخ یکسان حق بیمه 	<p>ارائه راهکار</p>	

1 علم اکچوئری با محاسبه ریسک اجرای پروژه، موفقیت انجام پروژه را تضمین می‌نماید، معنای لغوی اکچوئری در بیمه به معنای محاسبات فنی بیمه‌ها است .



<ul style="list-style-type: none"> ✓ برون سپاری برخی از فعالیت‌ها ✓ تقویت اصل سه جانبه گرائی (کارگر، کارفرما، دولت) ✓ بازنگری در قوانین و بخشنامه‌های بیمه‌ای ✓ گسترش پوشش بیمه‌ای ✓ توسعه فرهنگ سازمانی و فرهنگ بیمه اجتماعی در بین کارکنان و بیمه شدگان 		
<p>در بخش اصلاح صندوق‌های بازنشستگی، به ماده ۲۹ و در بخش اصلاحات مدیریتی و مالی و اصلاحات سنج‌های الحاق گردد.</p>	ضمیمه	
<p>آمار مربوط به هزینه و درآمد خانوار نشان می‌دهد درصد جمعیتی که با درآمدی کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند در سال 1391، 0/08 بوده که این رقم در سال 1400 به ۰/۷۲ رسیده است (مرکز آمار ایران، گزارش هزینه و درآمد خانوار). برآوردهای مربوط به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که با رشد شدید خط فقر طی سال‌های 1397 و 1398 نرخ فقر در سال 1398 به حدود 32 درصد رسیده که بالاترین نرخ طی سال‌های 1398-1388 بوده که با توجه به آن در سال 1398 حدود 26/5 میلیون نفر در زیر خط فقر قرار داشته‌اند (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، 1400). علی‌رغم توجه قانون اساسی به موضوع فقر و محرومیت، مطابق آمار فوق، می‌توان مدعی شد که دامنه فقر درآمدی و فقر قابلیت‌ی بالادست در سال‌های اخیر در جامعه گسترش پیدا کرده است؛ فلذا توجه به فقر و محرومیت باید جزو اولویت برنامه‌های توسعه قرار بگیرد؛ چرا که توجه نکردن به فقر و محرومیت با شیوه مناسب، پیامدهای ناگوار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به بار آورده که به هیچ وجه قابل جبران نمی‌باشد. عدم توجه به رشد فراگیر به عنوان لازمه خروج کشور از فقر و محرومیت و توجه صرف به رشد تولید ۸ درصدی که با توجه به وجود تنگناها و تحریم‌ها غیرواقع بینانه و بلندپروازانه است، در جهت مبارزه با فقر و محرومیت راه به جایی نمی‌برد و دامنه این معضل را روز به روز گسترده‌تر می‌کند.</p> <p>رساندن فقر مطلق به صفر آن هم از طریق دولت و متوسل شدن به زور و پرداخت انواع مستمری و پرداخت یارانه پنهان و آشکار کاری نشدنی و راهکاری شعارگونه می‌باشد.</p>	آسیب شناسی	3
<p>از آنجا که در جهت مبارزه با فقر، افزایش رشد اقتصادی و کاستن نابرابری در جامعه ضروری است؛ لذا توجه به رشد فراگیر که با افزایش رشد اقتصادی و کاهش نابرابری در جامعه همراه است، ضروری می‌باشد. رشد فراگیر حادث نمی‌شود مگر با اصلاح نهادهایی همچون قواعد رسمی و حکمرانی که برگزیده قوانینی همچون قانون تضمین حقوق مالکیت و مبارزه با رانت در همه ابعاد است. اصلاحات نهادی زمینه لازم برای رشد فراگیر را فراهم آورده که نتیجه آن رفع فقر قابلیت‌ی در کشور و ارتقا وضعیت درآمدی افراد خواهد بود.</p>	ارائه راهکار	
<p>در بخش تأمین اجتماعی و به ماده ۳۱ الحاق گردد.</p>	ضمیمه	
سیاست خارجی		
<p>تئوری‌های اقتصادی و مدل‌های رشد درون‌زا بر اهمیت واردات به‌عنوان کانال مهمی برای جریان فناوری و دانش خارجی به اقتصاد داخلی تأکید کرده‌اند. فن آوری‌های جدید می‌توانند در واردات کالاهای واسطه‌ای مانند ماشین آلات و تجهیزات تجسم شوند که سبب می‌شوند بهره‌وری نیروی کار به دلیل به دست آوردن دانش لازم برای استفاده از فن آوری جدید در طول زمان افزایش</p>	آسیب شناسی	1



<p>یابد. بنابراین مشخص است که وابستگی تولید داخلی به کالاهای سرمایه‌ای، لزوم توجه به واردات را افزایش می‌دهد. اقتصاددانان ضمن توجه به اهمیت واردات در فرآیند رشد اقتصادی، تاکید ویژه‌ای بر صادرات دارند. سه کانال ارتباطی بین رشد اقتصادی و صادرات وجود دارد. وجود تقاضای داخلی پایین ممکن است منجر به کاهش رشد اقتصادی شود. در این راستا صادرات فرصت ارسال تولید مازاد به خارج را فراهم کرده و از این طریق سبب ایجاد درآمد می‌شود. صادرات سبب افزایش پیشرفت فنی و صرفه جویی بیشتر می‌شود و از این طریق در بلندمدت به رشد اقتصادی کمک می‌کند صادرات بیشتر درجه اعتبار یک کشور را با خلق پول‌های معتبر بهبود می‌بخشد و در نتیجه گرفتن وام از کشورهای خارجی را آسان تر می‌کند. یک کشور از طریق تجارت می‌تواند کالاهایی را وارد نماید که خود قادر به تولید آنها نیست. در این صورت منابع و امکانات در مکان‌ها و بخش‌هایی به کار گرفته می‌شوند که از کارایی و بهره‌وری بیشتری برخوردار باشند، روش‌های تولیدی مناسب‌تری به کار گرفته شوند تا بهره‌وری افزایش یابد و در نتیجه تولید جهانی به میزان حداکثر خود نزدیکتر شود، بنابراین رشد صادرات موجب افزایش درآمد شده و با فراهم آوردن امکان بهره‌گیری از صرفه‌های مقیاس، بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته و امکان تخصیص بهینه منابع و افزایش رقابت در تولید محصولات می‌تواند موجبات افزایش بهره‌وری را فراهم آورد. مطالعات نشان می‌دهند که اقتصادهای بیرون‌گراتر نرخ رشد اقتصادی بالاتری را ثبت می‌کنند. علاوه بر این، موفقیت چشمگیر اقتصادهای شرق آسیا را به بالا بودن حجم تجارت خارجی آن‌ها نسبت می‌دهند. تعجب آور نیست که در اواخر دهه 1970، بسیاری از کشورهای در حال توسعه سیاست‌های آزادسازی تجاری را اتخاذ کردند که شامل کاهش تعرفه‌های واردات و صادرات و موانع غیر تعرفه ای بود. بر اساس تئوری مزیت نسبی، اگر کشوری بخواهد با کشور دیگری تجارت کند، کشور کالایی تولید می‌کند که در آن مزیت نسبی دارد. این شرکت در بخشی تخصص دارد که برای آن فاکتورهای بهتری دارد و کالاها را در مقیاس بزرگتر تولید می‌کند. در نتیجه بهره‌وری و صادرات این بخش افزایش می‌یابد و رشد کلی اقتصادی را تقویت می‌کند آزادسازی تجارت، تخصص در بخش‌هایی را تشویق می‌کند که دارای صرفه جویی در مقیاس هستند که به بهبود کارایی و بهره‌وری در بلندمدت کمک می‌کند. قابل ذکر است اگر هزینه تقلید نوآوری در کشورهای فقیرتر از اقتصادهای پیشرفته کمتر باشد، کشورهای فقیرتر سریعتر از کشورهای پیشرفته رشد خواهند کرد و تمایل به همگرایی وجود خواهد داشت. همه این استدلال‌ها نشان می‌دهند که اقتصادهای در حال توسعه از تجارت بین‌المللی با کشورهای پیشرفته در فناوری نفع زیادی می‌برند.</p>		
<p>با توجه به توضیحات ارائه شده فراهم آوردن بستر لازم برای تعاملات بین‌المللی نقش بسیار موثری در پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور دارد. بر این اساس لازم است وزارت امور خارجه مورد زیر را در دستور کار قرار دهد:</p> <p>مذاکرات الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی را با همکاری اتاق بازرگانی ایران احیا نماید و دستور کار مذاکرات جدیدی برای الحاق به این نهاد تدوین گردد.</p>	ارائه راهکار	
<p>در بخش دیپلماسی اقتصادی و به ماده صد الحاق گردد</p>	ضمیمه	
<p>در برنامه‌ی هفتم سعی بر آن است که اقتصاد ایران به رشد اقتصادی بالا و مهار تورم دست یابد. دستیابی به این هدف متعالی نیازمند حضور و برنامه ریزی در حوزه سیاست خارجی است. از آنجایی که هیچ کشوری آنقدر از لحاظ منابع و امکانات داخلی بهره مند نیست که بتواند صرفاً با تکیه بر آن امکانات (سرمایه گذاری داخلی، حجم بازار داخلی، مواد خام و اولیه، داشتن مزیت</p>	آسیب شناسی	2



<p>نسبی در تولید تمام کالا و ...) به جرگه کشورهای برتر صنعتی پیبوند. در نتیجه کشورها برای رشد و توسعه اقتصادی خود نیازمند ارتباط با جهان بیرون هستند، و این ارتباط با جهان بیرون به وسیله سیاست خارجی توسعه گرا و دیپلماسی اقتصادی صورت می‌گیرد.</p>	
<p>وزارت امور خارجه مکلف است بر پایه توسعه اقتصادی، چهار رویکرد را در مورد دیپلماسی اقتصادی مد نظر قرار دهد:</p> <p style="text-align: center;">❖ جذب سرمایه‌گذاری خارجی</p> <p>1. مهم ترین مزیت نسبی ایران در صادرات کالا و خدمات صنعت نفت و گاز است. کشور ایران به دلیل تحریم‌های متعدد سال‌هاست که سرمایه‌گذاری متعددی در این حوزه صورت نداده است. از انجایی که حضور سرمایه‌گذاران خارجی در این صنعت بسیار لازم است، وزارت امور خارجه باید با حضور و مذاکرات فعال، سرمایه‌گذاران خارجی را جهت سرمایه‌گذاری در میدان‌های نفت و گاز ایران متقاعد نمایند.</p> <p>2. عدم ورود تکنولوژی به روز در کارخانجات منجر به افزایش انتشار گازهای آلاینده در کشور شده است. استمرار این روند و استفاده از تجهیزاتی که از سوخت‌های فسیلی استفاده می‌نمایند سبب خواهد شد تا در آینده، کشور با دو چالش مهم روبرو گردد. در چالش اول، انتشار آلاینده‌ها سبب خواهد شد تا سلامتی عموم جامعه با خطر روبرو گردد و این امر تبعات بسیار سنگینی برای کشور خواهد داشت. در مرتبه دوم به دلیل به روز نبودن تکنولوژی‌ها، خطر تعطیلی شرکت‌های تولیدی در راستای کنترل آلودگی هوا، بسیار محتمل خواهد بود. رویکرد دوم سبب کاهش تولید و رشد اقتصادی و بیکاری وسیع خواهد بود. در این راستا لازم است وزارت امور خارجه با دیپلماسی اقتصادی، شرایط بی‌ثباتی سیاسی کشور در عرضه خارجی را مرتفع کرده و با کاهش و رفع تحریم‌ها، بستر لازم برای حفظ زیست‌محیطی با به‌روز کردن تکنولوژی را سروسامان دهد.</p> <p>3. تجار ایرانی برای صادرات و واردات کالاها همواره با مشکل نقل و انتقال وجوه روبرو هستند در این راستا، برای مراودات مالی بین‌المللی پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی FATF و CFT از اهمیت بالایی برخوردار است که هیچ توجهی به آن نشده است و این نشان از محدودیت مالی و بانکی کشور ما در معاملات بین‌المللی دارد که توان رقابتی و فعالیت بانک‌ها و فعالین اقتصادی ما را در مقابل رقبای بین‌المللی کاهش می‌دهد و قطعاً موجب افزایش نرخ برای کالا و خدمات ایرانی خواهد داشت.</p> <p style="text-align: center;">❖ حاکمیت دیدگاه اقتصادی بر سیاست خارجی</p> <p>مهم ترین اصلی که وزارت امور خارجه باید در برنامه و اصول کاری خود رعایت کند، اولویت داشتن و تضمین منافع اقتصادی ملی بر سایر ایده‌های سیاسی است. برای داشتن نظام و حکومت مقتدر که بتواند آرمان‌های انقلاب را محافظت نماید، وجود اقتصاد با ساختار قوی که در عرضه جهانی بتواند عرض اندام نماید بسیار حیاتی است. مهم‌ترین ویژگی اقتصاد ایران، داشتن منابع نفتی و گازی است که مدیریت صادرات آن در تضمین اقتدار نظام جمهوری اسلامی و منافع ملی بسیار مهم است. مهم‌ترین برنامه‌ی وزارت امور خارجه در برنامه هفتم توسعه این است که با دیپلماسی قدرتمند و با مذاکرات پیشرفته، قدرت رقابت بازاری ایران در این حوزه را افزایش دهد. در این راستا لازم است وزارت امور خارجه رویکرد را مورد توجه قرار دهد.</p>	<p>ارائه راهکار</p>



✓ شناسایی رقبای انرژی و تجدید در روابط این رقبا

یکی از اصول مهم در راستای فروش نفت و گاز کشور رصد کردن سیاست‌های تجاری و انرژی رقبای کشور در عرضه نفت و گاز است. بر این اساس کشورهای حوزه خلیج فارس و کشور روسیه و آذربایجان به عنوان مهم ترین رقبای انرژی کشور تلقی می‌گردند. طبق شواهد، توسعه اقتصادی در همه این کشورها اولویت اصلی بوده است و از هر فرصتی برای به دست آوردن سهم بیشتر از دلارهای نفتی صورت می‌پذیرد. در این راستا وزارت امور خارجه مکلف است در روابط دوستی کشورها منافع ملی را در اولویت قرار داده و نسبت به همه این کشورها به دید رقیب بنگرد و با برنامه‌ریزی مدون، شرایط توسعه صادرات نفتی و به دست آوردن قدرت بازاری نفت و گاز به هر نحوی را فراهم سازند.

✓ وزارت امور خارجه باید با فراهم آوردن جذب سرمایه گذاری خارجی، شرایط لازم برای افزایش سهم استخراج گاز از چاه مشترک قطر و ایران را تقویت نماید و اجازه ندهد که بازارهای گازی ایران در اختیار قطر قرار گیرد. در این راستا لازم است ایران سهم خود را در بازارهای گازی جهان از ۱ درصد کنونی به ۸ تا ۱۰ درصد برساند. این موضوع بدون دستیابی کشور به صنعت ال. ان. جی و تبدیل گاز طبیعی به گاز طبیعی مایع برای ارسال به مناطق مختلف جهان امکان پذیری اندکی دارد. این در حالی است که کشورهای محدودی فناوری فوق را در اختیار داشته و لزوم سرمایه گذاری آنها در پروژه های گازی پارس جنوبی امری ضروری است

✓ وزارت امور خارجه باید از شرایط به وجود آمده در وضعیت انرژی اروپا بهره کامل را ببرد و با استفاده از بستر سازی امکان صادرات نفت و گاز ایران، سهم بازاری روسیه در اروپا را تصاحب و تثبیت نماید.

✓ مذاکرات هسته‌ای را به نحو احسن مدیریت کرده و با کاهش تنش با کشور آمریکا و اروپا، از دادن تخفیف نفتی و امکان سو استفاده کشورها از وضعیت تحریمی را پایان دهد.

❖ نگاه صادرات محور

برای داشتن یک کشور صادرات محور که در عرصه جهانی با سبد متنوعی از صادرات روبرو است، نیازمند داشتن برنامه مدون و حساب شده از سوی وزارت امور خارجه است. لازم است در برنامه هفتم توسعه اقتصادی بر مشارکت سازمان توسعه تجارت، وزارت امور خارجه و اتاق بازرگانی تاکید گردیده و تیم‌هایی تشکیل گردد تا با مطالعه شرایط اقتصادی کشورهای مقصد و شناسایی نیازمندی‌ها آن‌ها از یک سو و شناساندن ظرفیت تولیدکنندگان و بازرگانان ایران به کشورهای خارجی، زمینه توسعه صادرات را فراهم آورند. در این راستا لازم است تجربه کشور ژاپن در دستور کار قرار گرفته و اصول‌های زیر رعایت گردد:

✓ برپایی نمایشگاه‌هایی در خارج برای معرفی کالای ایرانی و شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی

✓ اعزام هیأت‌هایی متشکل از بخش خصوصی و دولت به خارج برای تحقیق در مورد بازارها

✓ ایجاد دفاتر بازرگانی در خارج

❖ گسترش همکاری کشورهای که اقتصادهای مکمل با اقتصاد ایران دارند.

یکی از وظایف مهم وزارت امور خارجه بررسی کشورهایی است که محصولاتی که ایران نیاز دارد در آن کشورها با مزاد مواجه است.



ضمیمه	در بخش دیپلماسی اقتصادی و به ماده 100 الحاق گردد	
آسیب شناسی	<p>با توجه به مرزهای طولانی ایران با همسایگان و مشترک بودن در حوضه‌های آبریز فرامرزی فرات-دجله با عراق و ترکیه، کورا-ارس با ترکیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان، اترک با ترکمنستان، قره قوم با ترکمنستان و افغانستان، پترگان-خواف با افغانستان، هامون و هیرمند با افغانستان و پاکستان و هامون مشکیل و رایج-باهوکالت با پاکستان، و با توجه به ادامه بحران آب در سال‌های اخیر، و وضعیت نامناسب کشور ایران از لحاظ منابع مدیریت آبی که اهمیت بسیار مهمی در آینده توسعه ایران دارد، تنش آبی می‌تواند وضعیت پایدار سیاسی کشورها را دچار ایراد نماید. در این راستا لازم است منابع آب مرزی و بین‌المللی، بدون هیچگونه تنش یا درگیری بین طرف‌های صاحب حق‌آبه، به شکل پایدار حل و فصل گردد.</p>	3
ارائه راهکار	<p>تجربیات سیاسی آب در ایران نمایانگر آن است که هر وقت ایران با همسایگان خود روابط سیاسی مناسبی داشته، مسئله بهره‌برداری از آبهای مشترک نیز تحت تأثیر این روابط قرار گرفته و پیشرفت‌هایی در این امر حاصل شده است و در مواقعی که شاهد اختلافات سیاسی بوده است، اختلافات آبی نیز به دنبال آن ایجاد شده است. وزارت امور خارجه مکلف است مسئله بهره‌برداری از منابع آب مشترک بین ایران و همسایگان را در فضایی کاملاً غیرسیاسی حل و فصل کند تا امکان تغییر یا رد نتایج حاصل از این مذاکرات، حتی با تغییر حکومت‌های سیاسی نیز وجود نداشته باشد.</p>	
ضمیمه	در بخش دیپلماسی سیاسی و به ماده ۹۹ الحاق گردد	
ردیف	تحولات قضایی و اقتصاد	
آسیب شناسی	<p>بررسی مشکلات ایران حاکی از آن است که هر روز بر فرار سرمایه و مهاجرت نخبگان افزوده می‌شود. ریشه یابی این موضوع نشان می‌دهد که عوامل بسیار زیادی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در آن دخیل هستند. وجود فساد مالی و کاری در بدنه اقتصاد ایران منجر به کاهش تضعیف قدرت رقابت برای همگان شده است. با این وجود حل این موضوع می‌تواند در توسعه اقتصادی کشور ایران نقش بسیار مهمی را ایفا نماید. در این راستا قوانین و مقررات قضایی نقش مهم و اولویت داری را ایفا می‌نماید.</p> <p>فاسدان اقتصادی را می‌توان به دو سطح خرد و کلان تقسیم کرد. در سطح خرد سارقان منازل، خودروها، قاچاقچیان خرده پا، اختلاس‌کنندگان مبالغ اندک، کلاهبرداران غیر حرفه‌ای را می‌توان دید. دلیل اصلی این جرم‌ها عواملی چون بیکاری، فقر مالی و فرهنگی است که بهبود فضای کسب و کار می‌تواند این جرایم را به شدت کاهش دهد. در سطح کلان گروه‌ها و اشخاصی وجود دارند که با نزدیک شدن به صاحبان قدرت و با رخنه در نهادهای عهده دار مدیریت امور اقتصادی، درصدد دستیابی به خواست های غیرقانونی خود، موج ایجاد رانت و فساد در منابع اقتصادی می‌شوند. این عامل سبب می‌گردد که زنجیره ای از جرایم اقتصادی شکل بگیرد. جرایمی مثل ارتشاء، پولشویی جعل اظهارنامه گمرکی و مالیاتی و درنهایت اخلال در نظام اقتصادی کشور که هر کدام از این جرائم نقش به سزایی در تخریب منافع ملی و سرمایه های اجتماعی بازی کرده و موج از بین رفت امنیت اقتصادی و ثبات سیاسی کشور می‌شود. از جمله پیامدهای این عامل خروج برنامه‌های مدیران و مسولین کنترل سلامت و امنیت اقتصادی از ریل صحیح است. در این راستا لازم است مسئولین قضایی کشور عوامل پدیدآورنده فساد اقتصادی در سطح</p>	1



<p>کلان را شناسایی نموده و قوانین مرتبط با آن را تدوین نمایند. در نظام قضایی ایران، برخورد قانون گذار عمدتاً بر اساس تدابیر کیفری و ابزارهای قهر آمیز می‌باشد که فاقد کارایی در برخورد با فساد می‌باشد.</p>			
<p>قانون گذار قوانین کیفری را به امید ارباب و در نتیجه پیشگیری از ارتکاب جرائم افراد جامعه وضع کرده‌اند. در این راستا جهت جلوگیری از پیشگیری از وقوع کثیری از جرائم اقتصادی عمده، نیاز به اتخاذ تدابیر و وضع قوانین شایسته لازم است. از مسائلی که می‌تواند در پیشگیری این‌گونه جرائم مؤثر باشد، منع زمامداران و دولتمردان و صاحب منصب‌های حکومتی از هر نوع تجارت و بازرگانی یا دخالت در امور تولیدی و خدماتی است؛ زیرا این گونه افراد به دلیل نفوذ در جامعه جهت حفظ منافع یا تحصیل ثروت، به‌طور بی‌رویه در ایجاد جرائم اقتصادی نقش به‌سزایی دارند. همچنین از عوامل مؤثر در بازدارندگی اشخاص از ارتکاب جرم، رسیدگی فوری به جرائم است، به خصوص در جرائم اقتصادی که جو جامعه متأثر از وقوع آن است. بنابراین حذف تشریفات رسیدگی در آن می‌تواند در عبرت دیگران و پیشگیری از وقوع آن مؤثر باشد.</p>	<p>ارائه راهکار</p>		
<p>لازم است ماده‌ای تحت عنوان ساماندهی امور اقتصادی تنظیم گردیده و موارد پیشنهادی در آن درج گردد</p>		<p>ضمیمه</p>	
<p>موانع جذب سرمایه‌گذاری با مشوق‌ها و حمایت‌های قانونی رابطه مستقیم دارند، هرچه قواعد حاکم غیرشفاف‌تر باشد، موانع و محدودیت‌های حقوقی اقتصادی بیشتر می‌شود و در نتیجه سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود. پس از گذشت چند سال از فراگیر شدن قرارداد بی.اوتی (BOT) در ایران، همچنان بخش عمده قواعد حاکم و تعهدات دولت در مقررات قانونی مسکوت است و در نتیجه‌ی اعمال ترتیبات طرفین، خصوصاً قراردادی، در جذب سرمایه‌گذار خارجی به‌صورت شخصی‌گرایی و سلیقه‌ای عمل می‌شود، که ممکن است یکی از علل شناخته شدن ایران به عنوان دهمین اقتصاد بسته در دنیا باشد. و این منع سرمایه‌گذاری خارجی، مانع بزرگی بر سر راه توسعه پایدار است. ادامه روند عدم شفاف سازی قواعد حاکم بر تعهدات دولت در قرارداد بی.اوتی برای سرمایه‌گذار، دولت و در نهایت مردم به عنوان مصرف کننده نهایی، نفعی ندارد.</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>2</p>	
<p>سرمایه‌گذاری تحت قرارداد بی.اوتی متضمن مناسبات ویژه و روابط حقوقی بلندمدت است؛ پس قانون گذار ایران باید با فراهم آوردن زمینه‌های حمایتی، مشوق‌ها و محرک‌ها، تعهداتی با عناوین پیش گفته برای دولت تعریف کند تا با رفع نگرانی سرمایه‌گذار تمایل و رغبت سرمایه‌گذار را برای حضور در اقتصاد نیمه بسته و دولتی ایران فراهم آورد.</p> <p>از آنجایی که برخی از مقررات داخلی ایران در خصوص این قرارداد، با مقررات سازمان تجارت جهانی، مغایرت دارد، قوه قضائیه مکلف است در طول برنامه توسعه این موارد را شناسایی کرده و اصلاح نماید.</p>	<p>ارائه راهکار</p>		
<p>لازم است ماده‌ای تحت عنوان ساماندهی امور اقتصادی تنظیم گردیده و موارد پیشنهادی در آن درج گردد</p>		<p>ضمیمه</p>	
<p>یک بنگاه برای کسب و حفظ مزیت رقابتی همواره باید نسبت به تغییرات فضای کسب و کار هوشیار باشد و آن را رصد کند تا بتواند استراتژیهای خود را به درستی تغییر دهد و در صورت لزوم برنامه ریزی جدیدی انجام دهد. بر مبنای محاسبات علمی ۱۰ شاخص کمی که ۱۰ مرحله عمر یک کسب و کار را از زمان شکل‌گیری تا انحلال آن دربر می‌گیرد، میزان مناسب بودن محیط اقتصادی کشور برای انجام فعالیت اقتصادی را نشان می‌دهد. بررسی آمارها حاکی از مناسب نبودن این وضعیت در اقتصاد کشور</p>	<p>آسیب شناسی</p>	<p>3</p>	



<p>ایران حکایت دارند. بر این اساس 5 شاخص از ده معیار تشخیص داده شده در حوزه قوه قضائیه است و لازم است این موارد در برنامه هفتم توسعه مد نظر قرار گیرد.</p>	
<p>۵ شاخص مورد اشاره که در حیطه وظایف و اختیارات قوه قضائیه قرار می‌گیرند به شرح زیر می‌باشند:</p> <ul style="list-style-type: none">• شروع کسب‌وکار: این شاخص چهار عامل، تعداد دفعات مراجعه متقاضی، مدت‌زمان، هزینه و حداقل سرمایه برای ثبت شرکت معمولی را نشان می‌دهد.• ثبت مالکیت: شامل فرآیندهای قانونی ثبتی مربوط به نقل و انتقال یک ملک تجاری، مدت‌زمان و هزینه آن می‌شود.• حمایت از سرمایه‌گذاران: میزان حمایت قانونی از سهام داران زیر ۱۰ درصد یک شرکت بورسی در سه زمینه افشای اطلاعات، مسئولیت مدیر و سهولت شکایت از مدیر در این شاخص مدنظر قرار دارد.• اجرای قراردادها: کار آیی نظام قضایی برای الزام به اجرای یک قرارداد به ارزش مشخص و مفروض برای همه اقتصادها، در سه مؤلفه تعداد مراحل، مدت‌زمان و هزینه مرتبط با تشکیل پرونده، دادرسی و اجرای حکم ارزیابی می‌شود.• شاخص انحلال فعالیت: مراحل، مدت‌زمان و هزینه از ابتدای تشکیل پرونده برای تعطیل کسب‌وکار (اعلام ورشکستگی) تا تسویه حساب کامل با طلبکاران، هزینه‌های قانونی در مراحل مختلف و میزان مطالبات اخذ شده توسط طلبکاران که در ایران وضعیت بسیار ناگواری را تجربه می‌کند. <p>قوه قضائیه موظف است با قبول مسئولیت بیشتر در حوزه بهبود فضای کسب‌وکار، اصلاحات مورد نیاز در بخش‌های مختلف را به سرانجام برساند.</p>	<p>ارائه راهکار</p>
<p>لازم است ماده‌ای تحت عنوان ساماندهی امور اقتصادی تنظیم گردیده و موارد پیشنهادی در آن درج گردد</p>	<p>ضمیمه</p>



تهیه شده در مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی تبریز